

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ  
وَبِحَمْدِكَ



آموزه‌هایی برای توسعه حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۶)

**بررسی ابعاد ریسک سیاسی در تعامل اقتصادی با  
کشورهای منطقه و ضرورت پوشش آن**

تیر ۱۴۰۱



# فهرست مطالب

۷	خلاصه مدیریتی
۱۱	۱-مقدمه
۱۴	۲-انواع ریسک در فعالیتهای اقتصادی
۱۷	۳-تجربیات برخی شرکت‌های ایرانی در مواجهه با ریسک فعالیت در منطقه
۲۱	۴-ریسک سیاسی و انواع آن
۲۵	۵-ریسک‌های سیاسی کشورهای منطقه
۳۲	۶-ارائه‌دهندگان بیمه ریسک سیاسی در دنیا
۳۵	۷-معرفی و ارزیابی صندوق ضمانت صادرات ایران
۵۱	۸-پوشش ریسک سیاسی در آمریکا
۵۳	۹-بانک صادرات و واردات آمریکا
۵۷	۱۰-شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC)
۷۲	۱۱-جمع‌بندی و پیشنهاد الگوی پوشش ریسک سیاسی کشورهای منطقه
۷۶	منابع



## خلاصه مدیریتی

کشورهای منطقه غرب آسیا از جمله عراق، سوریه، لبنان، افغانستان و یمن دارای اهمیت راهبردی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی برای جمهوری اسلامی ایران هستند. اما وجود بحران‌های نظامی و سیاسی-امنیتی در این کشورها توسعه روابط اقتصادی را با ریسک‌های سیاسی مواجه می‌کند. یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای حضور بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه اطمینان از پوشش ریسک‌های سیاسی است. این ریسک‌های سیاسی که مرتبط با جنبه‌های کیفی اقتصاد هستند به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید و به موجب آن، بازدهی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی مختل می‌شود و سطح اطمینان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

کشورهای توسعه‌یافته در ساماندهی مناسبات اقتصادی بین‌المللی خود مواردی نظیر توسعه هژمونی سیاسی و امنیتی، ارتقای امنیت ملی، توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی و اثرگذاری در مناسبات حاکمیتی کشورها را دنبال می‌کنند، این کشورها پوشش ریسک‌های سیاسی را نیز در تعامل اقتصادی با کشورهای هدف مد نظر قرار می‌دهند. در سراسر جهان دولت‌ها برای پوشش ریسک سیاسی از محل منابع و ذخایر ملی خود، نسبت به ایجاد بانک‌ها، صندوق‌ها، شرکت‌ها یا تامین منابعی اقدام می‌کنند که از طریق صدور ضمانت‌ها و بیمه‌نامه‌های مختلف، ریسک سیاسی حضور در بازار دیگر کشورها را برای بخش خصوصی خود پوشش دهند. در کشورهای دنیا دو طراحی نهادی برای پوشش ریسک سیاسی وجود دارد:

الف) برخی کشورها مانند ایالات متحده نهادی مستقل را برای انجام این مأموریت تأسیس کرده‌اند. در آمریکا بانک صادرات و واردات (EX-IM Bank) و شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) وظیفه پوشش ریسک سیاسی را عهده‌دار هستند. بانک صادرات و واردات آمریکا آژانس اعتبار صادراتی این کشور محسوب می‌شود و توسعه صادرات این کشور را دنبال می‌کند. اما DFC نهادی است که تقویت حضور اقتصادی جهت تأمین منافع راهبردی آمریکا را دنبال می‌کند. از این رو پروژه‌هایی را در اولویت قرار می‌دهد که در راستای اهداف سیاست خارجه آمریکا نیز باشند.



ب) برخی کشورها نیز مانند آلمان، فرانسه کانادا، ایتالیا، استرالیا، اندونزی و هندوستان، دولت با ایجاد حساب منافع ملی و تخصیص منابع دولتی به این حساب، عملیات اجرایی آن را به نهادهای موجود مانند آژانس‌های اعتبار صادراتی و بانک‌ها سپرده‌اند.

صندوق ضمانت صادرات ایران نیز سعی در پوشش ریسک سیاسی دارد؛ اما ارتباط ارزیابی‌های این صندوق به نهادهای اعتبارسنجی بین‌المللی موجب محدودیت در دسترسی به اطلاعات موجود در رابطه با کشورهای نظیر سوریه از یک طرف و بیش‌برآورد ریسک تعامل با آن‌ها از سوی دیگر می‌شود. همچنین محدودیت‌های این نهاد به‌عنوان یک شرکت دولتی که ملزم به شناسایی سود و زیان است موجب گردیده است تا نتواند به نحو شایسته خدمات موردنیاز فعالین اقتصادی بخش غیردولتی را برای حضور در بازار اقتصادی کشورهای منطقه ارائه کند.

روش تعیین سقف پوشش صندوق ضمانت صادرات ایران متناسب با فعالیت‌های معمول اقتصادی و جریان‌های متعارف تجاری در بستر یکنواخت و روال عادی مسائل سیاسی و حاکمیتی است؛ لذا کشورهای منطقه که عمدتاً درگیر تنش‌های نظامی-امنیتی و بحران‌های اقتصادی هستند نسبت به سایر کشورها، فاقد اولویت شناخته می‌شوند. به‌علاوه محدودیت منابع مالی صندوق نیز باعث می‌شود این صندوق نتواند از فرصت‌های موجود در بازار کشورهای منطقه استفاده کند.

ازاین‌رو نیاز است برای بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی به وجود آمده در منطقه، بازیابی و بازتعریف موقعیت ایران در اقتصاد جهانی، تقویت و تثبیت موقعیت ایران در مناسبات منطقه‌ای و توانمندسازی بخش غیردولتی ایران در فعالیت‌های برون‌مرزی، حساب منافع ملی نزد صندوق ضمانت صادرات ایران ایجاد و اعتباری از صندوق توسعه ملی به آن تخصیص داده شود. صندوق ضمانت صادرات بر اساس اعتبار این حساب به صدور ضمانت‌نامه پوشش ریسک سیاسی برای پوشش ریسک‌های سیاسی برای فعالیت اقتصادی بخش غیردولتی در کشورهای منطقه و همسو اقدام نماید. درآمدهای ناشی از این حساب متعلق به صندوق توسعه ملی است و در صورت بیش‌تر بودن هزینه‌ها از درآمدها، این هزینه‌ها به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی قلمداد

می‌شود. این کار موجب حمایت و پشتیبانی از بخش غیردولتی برای انجام فعالیت تجاری و سرمایه‌گذاری برون‌مرزی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و دارای مشکلات سیاسی می‌شود. ویژگی‌هایی که لازم است در صدور ضمانت‌نامه از این حساب در نظر گرفته شود عبارتند از:

- ارزیابی عملکرد بر اساس هزینه - کارایی باشد.
- مکمل ضمانت‌نامه‌های صندوق ضمانت صادرات ایران باشد.
- دارای الگوی بومی ارزیابی برای کشورها و شرکت‌ها باشد.
- اهداف راهبردی جمهوری اسلامی در نظام اولویت‌بندی کشورها برای فعالیت به‌صورت درون‌زا تعریف شود.
- تأمین منابع مالی آن حاکمیتی باشد.
- فقط به فعالیت‌هایی ضمانت‌نامه ارائه شود که نهادهای دیگر پوشش ریسک آن را عهده‌دار نشده‌اند.

استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای انجام چنین ماموریتی علاوه بر اینکه منابع بلوکه‌شده در صندوق را در محلی مؤثر به کار می‌بندد تناقض عملکردی این صندوق را در ایجاد توسعه داخلی کشور بر مبنای منابع ارزی نیز برطرف می‌کند.

## ۱- مقدمه

کشورهای منطقه غرب آسیا دارای ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های متعددی هستند و برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت کم‌نظیر به وجود آورده‌اند. توجه به نیازها و حرکت در جهت برآورده کردن آن‌ها علاوه بر مستحکم کردن روابط راهبردی ایران و کشورهای منطقه می‌تواند به رشد و بالندگی اقتصاد و صنایع داخلی کمک شایانی نماید که نمونه‌هایی از آن در ادامه ارایه می‌شود:

- سوریه یکی از کشورهای تأثیرگذار در محور مقاومت و منطقه غرب آسیا با ظرفیت‌های اقتصادی بالا است که در اثر مواجه شدن با بحران‌های نظامی-امنیتی با مشکلات اقتصادی مواجه شده است. بحران سوریه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی، ارتباطی، عمرانی، تأسیسات تولید و انتقال انرژی و بافت مسکونی شهرها را به ورطه نابودی کشاند. کمیته اجتماعی و اقتصادی غرب آسیای سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۸ ارزش سرمایه‌های فیزیکی نابود شده در جنگ سوریه را مجموعاً ۱۰۰ میلیارد دلار و حجم سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای بازسازی ویرانی‌ها را معادل ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. به عبارت دیگر سوریه اکنون به یک بازار بزرگ ۴۰۰ میلیارد دلاری با جمعیت ۱۷ میلیون نفری برای فعالین اقتصادی خارجی تبدیل شده است.
- عراق به عنوان یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران با داشتن بیش از ۱۴۵۰ کیلومتر مرز مشترک، همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

1. (ESCWA)

ایران داشته است. این کشور یکی از بزرگترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شود و با فروکش کردن بحران داعش، نیازمند بازسازی است. جمعیت زیاد و رو به رشد، درآمدهای نفتی سرشار و ضعف در تولید داخل و مسیر ایران برای رسیدن به مدیترانه تنها برخی فرصت‌های اقتصادی عراق برای ایران است.

- کشور افغانستان همسایه شرقی ایران است که سالیان طولانی جنگ و بحران در افغانستان موجب شده که این کشور سطح توسعه پایینی داشته باشد با این حال صادرات ایران به این کشور در حال به چند میلیارد دلار می‌رسد. معادن غنی، بازار مستعد برای کالا و خدمات ایرانی، نیروی کار ارزان، منبع تامین منابع آبی شرق کشور و مسیر اتصال ایران به چین و تکمیل کریدور شرق به غرب تنها برخی از اهمیت‌های افغانستان برای ایران است.

- کشور لبنان به علت حضور حزب الله و همسایگی با رژیم صهیونیستی از اهمیت بالایی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است در عین حال دارای جذابیت‌های اقتصادی از جمله صادرات کالا و خدمات ایرانی، ظرفیت تجار لبنانی فعال در کشورهای مختلف و داشتن بنادر راهبردی در مدیترانه نیز هست. منافع اقتصادی تنها دلیل حضور اقتصادی ایران در کشورهای منطقه نیست. علاوه بر درآمدزایی و ارزآوری، گسترش همکاری‌های راهبردی و تحکیم موقعیت محور مقاومت، حرکت در مسیر تشکیل بلوک ضد تحریمی، تأمین نیازهای استراتژیک کشورها به صورت متقابل، دستیابی به مسیر بازار مدیترانه و اتحادیه عرب، تکمیل کریدور شرق به غرب، تامین مواد اولیه برای صنایع ایران، توسعه فعالیت شرکت‌های ایرانی در سطح بین‌الملل و تضمین حضور بلندمدت آن‌ها دیگر دستاوردهای حضور اقتصادی ایران در این کشورها خواهد بود.

اطمینان از پوشش ریسک سیاسی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه محسوب می‌شود. این بخش برای انجام فعالیت‌های اقتصادی برون‌مرزی با مخاطرات گوناگونی مواجه است که لازم است برای غلبه بر آن‌ها تدابیری اتخاذ شود. فعالین بخش غیردولتی ایران نیز در صورت اطمینان از پوشش ریسک‌های سیاسی مرتبط با فعالیت اقتصادی در این کشورها می‌توانند از

فرصت به وجود آمده با هدف افزایش اشتغال، تولید و رقابت‌پذیری اقتصادی بهره‌مند شوند. با این حال جنگ، درگیری‌های نظامی و عملیات‌های تروریستی همان‌گونه که ویرانی‌های فیزیکی بسیاری را در کشورها به‌جای گذاشته‌اند، ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری و تجارت را نیز در این کشورها افزایش داده‌اند.

## ۲- انواع ریسک در فعالیتهای اقتصادی

افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری در جهان، بررسی ریسک‌های موجود در این زمینه را حائز اهمیت کرده است. منظور از ریسک، زیان‌های بالقوه و قابل اندازه‌گیری است که احتمال دارد فعالان اقتصادی هنگام تجارت و سرمایه‌گذاری با آن مواجه شوند. عمده ریسک‌های احتمالی فعالیت اقتصادی عبارت‌اند از:

**الف) ریسک عملیاتی<sup>۱</sup>:** ریسک‌هایی که به هزینه‌های ثابت مربوط می‌شوند و از آن‌ها نشأت می‌گیرند. ریسک خرابی‌ها و آسیب‌های مربوط به عملیات فنی و سوء مدیریت نیز ریسک عملیاتی تلقی می‌شوند.

**ب) ریسک تجاری<sup>۲</sup>:** ریسک‌هایی که شرکت‌های تجاری به‌منظور به حداکثر رساندن ارزش سهام و سود به‌صورت خودآگاهانه متقبل می‌شوند.

**پ) ریسک مالی<sup>۳</sup>:** ریسک‌هایی که در اثر افزایش بدهی‌ها و شکست در مدیریت آن‌ها به وجود می‌آید.

**ت) ریسک اعتباری<sup>۴</sup>:** ریسک‌های مربوط به ناتوانی طرف معامله در ایفای تعهدات خود نسبت به بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری است.

- 
1. Operational Risk
  2. Comercial Risk
  3. Financial Risk
  4. Credit Risk

**ج) ریسک بازار<sup>۱</sup>:** این نوع ریسک به دلیل نوسانات قیمت دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود.

**چ) ریسک نقد شونده<sup>۲</sup>:** این نوع ریسک ناشی از عدم توانایی در انجام معاملات به علت نقد شونده نبودن دارایی‌ها است.

**ح) ریسک نرخ سود<sup>۳</sup>:** ریسک ناشی از نرخ سود مربوط به زمانی است که تغییر در نرخ سود باعث دگرگونی ارزش یک سرمایه‌گذاری گردد.

**خ) ریسک تورم<sup>۴</sup>:** ریسک کاهش قدرت خرید وجوه سرمایه‌گذاری شده در اثر تورم که به نرخ بهره هم مربوط است.

**ر) ریسک نرخ ارز<sup>۵</sup>:** ریسک مرتبط با تغییرات نرخ ارز در سرمایه‌گذاری خارجی است.

**ز) ریسک کشور<sup>۶</sup>:** ریسک عدم توانایی دولت یک کشور در ایفای تعهدات مالی به علت کسری بودجه شدید.

**د) ریسک سیاسی<sup>۷</sup>:** ریسک سیاسی را می‌توان ریسک ژئوپلیتیکی نیز نامید که به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید. به‌موجب آن، بازدهی سرمایه‌گذاری در یک کشور مختل شده و سطح اطمینان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. این ریسک مرتبط با جنبه‌های کیفی اقتصاد است. ریسک سیاسی را می‌توان از جمله مهم‌ترین ریسک‌های فعالیت اقتصادی برون‌مرزی دانست. با توجه به اهمیت ریسک سیاسی در فعالیت‌های اقتصادی فرا سرزمینی، سرمایه‌گذاران، تجار و همچنین دولت‌ها به این امر توجه خاصی دارند. علت اصلی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی برای دولت‌های میزبان سرمایه، تلاش برای جلب سرمایه‌های خارجی به‌صورت حداکثر است. از طرف دیگر، اهتمام دولت‌های

- 
1. Market Risk
  2. Liquidity Risk
  3. Interest Rate Risk
  4. Inflation Risk
  5. Currency Risk
  6. Country Risk
  7. Political Risk

مبدأ سرمایه به این مسئله، زمینه‌سازی برای انتفاع تجار و سرمایه‌گذاران حوزه‌های قانونی متبوع از محل تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی است؛ چراکه سرمایه‌گذاران خارجی می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتر از منافع سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر بهره‌مند شوند.



## ۳- تجربیات برخی شرکت‌های ایرانی در مواجهه با ریسک فعالیت در منطقه

فرصت‌های موجود در زمینه سرمایه‌گذاری و انجام پروژه‌های پیمانکاری در کشورهای منطقه زمینه‌ای برای توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی شرکت‌های ایرانی در سطح بین‌المللی فراهم کرده است. در این میان، تجارب فعالیت چهار شرکت ایرانی مپنا، سایپا، آرد ماشین و بلندپایه در سوریه و عراق می‌تواند نمونه‌هایی مناسب برای بررسی ریسک‌های مربوط به فعالیت اقتصادی در کشورهای منطقه و ترسیم چگونگی مواجهه شرکت‌های ایرانی با آن‌ها باشند.

### الف) تجربه شرکت مپنا در اجرای قرارداد ساخت نیروگاه در سوریه:

شرکت مپنا فعالیت خود در زمینه احداث نیروگاه‌های حرارتی در سوریه را قبل از بحران ۲۰۱۱ آغاز کرده بود. تا به حال ۴ پروژه نیروگاهی تشرین، جندر، حمص و سویدیه (لاذقیه) در این کشور به مپنا سپرده شده است که سه پروژه اول به دولت سوریه تحویل داده شده اما پروژه چهارم همچنان به مرحله بهره‌برداری نرسیده است. پروژه چهارم ابتدا قرار بود در سویدیه انجام شود اما با بروز ناآرامی‌های امنیتی-نظامی به لاذقیه منتقل شد. وقوع بحران بانکی در لبنان در اواخر سال ۲۰۱۹ و اعمال تحریم سزار که ایالات متحده بر سوریه در اوایل سال ۲۰۲۰ تحمیل کرده است موجب کاهش شدید ارزش پول ملی این کشور شد و این اتفاق پروژه‌ی آخر شرکت مپنا را از صرفه اقتصادی خارج کرد. علاوه بر مشکل کاهش ارزش پول ملی سوریه، فساد گسترده در سوریه نیز فعالیت در این کشور را سخت می‌کند.

### ب) تجربه شرکت بلندپایه در پروژه‌های کشور عراق: شرکت بلندپایه یک

شرکت خصوصی است که به عنوان پیمانکار عمومی فعالیت می‌کند. بلندپایه با انجام

پروژه‌های مختلف از جمله سدها، نیروگاه‌ها، استادیوم‌ها، مترو و پروژه معتبر «برج میلاد» که چهارمین برج بلند مخابراتی جهان در سال ۱۳۷۴ بود، شهرت خود را ارتقا داد. شرکت بلندپایه در سال ۲۰۱۱ با ورود به بازارهای دیگر در غرب آسیا پروژه «شهر ورزشی بغداد» را به عنوان یک قرارداد کلید در دست شروع کرد و اکنون این شرکت پروژه‌های متعددی در خارج از ایران دارد. تجربه این شرکت در پروژه‌های عراق نشان می‌دهد که مواردی مانند جنگ و بحران نظامی، فساد، بروکراسی ناکارآمد، نبود قوانین کارا و به روز برای صادرات خدمات فنی و مهندسی مشکلات متعددی برای این شرکت در عراق بوجود آورده است.

**ج) تجربه سایپا در ایجاد خط تولید در سوریه:** شرکت سایپا فعالیت خود در سوریه را در سال ۲۰۰۵ با احداث کارخانه‌ای به نام سیویکو در زمینی به مساحت ۳۰ هکتار آغاز کرد. این کارخانه تولید خود را تا زمان آغاز تنش‌های امنیتی و درگیری‌های نظامی ادامه داد و پس از آن مجبور به توقف فعالیت‌های خود شد. بعد از جنگ نیز سایپای ایران به دلایلی مجاب به ازسرگیری فعالیت شرکت سایپای سوریه شد. از جمله مشکلات سایپا در سوریه تغییرات مداوم قوانین و مقررات این کشور در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی است. تحریم‌های سزار، کمبود ارز و اولویت‌بندی تخصیص ارز در سوریه که متعاقب آن پدید آمد نیز باعث شد تا ثبت سفارش قطعات خودرو برای سوریه با محدودیت مواجه شود. یکی دیگر از مشکلات سایپا قیمت‌گذاری دستوری خودرو است که در کنار فساد و رشوه فراگیر در سوریه کار را برای سایپا دشوار کرده است.

**د) تجربه شرکت آرد ماشین در سوریه:** شرکت آرد ماشین یک شرکت خصوصی فعال در زمینه ساخت ماشین‌آلات آردسازی و ساخت سیلو است. اولین پروژه آرد ماشین در سوریه مربوط به احداث یک کارخانه آردسازی با ظرفیت ۳۰۰ تن در سویدا بود. قرارداد این پروژه در سال ۲۰۱۳ منعقد شد ولی عملیات ساخت کارخانه به علت عدم تخصیص خط اعتباری تا سال ۲۰۱۵ وارد فاز اجرایی نشد. پس از آن نیز به علت وجود جنگ و ناآرامی‌های نظامی امنیتی امکان شروع پروژه تا سال ۲۰۱۷ فراهم نشد و درنهایت پروژه مذکور در سال ۲۰۱۹ تکمیل و به دولت سوریه تحویل داده شد. پروژه دوم آرد ماشین

مربوط به احداث یک کارخانه دیگر در منطقه سلح‌ب است که زمین آن در سال ۲۰۱۸ به این شرکت تحویل داده شده اما به علت وجود ناآرامی‌های نظامی و جنگ در این منطقه، از سرعت عملیات ساخت کارخانه مذکور کاسته شد و هنوز هم این کارخانه به بهره‌برداری نرسیده است. آرد ماشین برای انجام سه پروژه دیگر نیز در قالب خط اعتباری دوم با طرف سوری به تفاهم رسیده است.

علاوه بر ناآرامی‌های نظامی-امنیتی، نظام سیاسی سوسیالیستی سوریه و انحصارات دولتی نیز از دیگر مشکلات آرد ماشین برای فعالیت در سوریه است. تبادل ارز نیز به علت مشکلات ارزی این کشور به یک مسئله امنیتی تبدیل شده است و به راحتی صورت نمی‌گیرد. بروکرسی پیچیده، قوانین مالکیت و قوانین قضائی سوریه نیز مشکلاتی را برای این شرکت ایجاد کرده است.

به طور خلاصه می‌توان مشکلات این چهار شرکت برای فعالیت در سوریه و عراق

را به صورت زیر جمع‌بندی کرد:

۱. جنگ، تنش‌های امنیتی-نظامی
۲. انحصار دولتی و قیمت‌گذاری دستوری
۳. غیرقابل تبدیل و انتقال بودن ارز
۴. بروکرسی و قوانین تجاری و قضایی نامناسب
۵. تحریم
۶. گستردگی فساد و رشوه

مشکلاتی که شرکت‌های ایرانی فعال در کشورهای منطقه با آن مواجه شده‌اند در دسته ریسک سیاسی یا ریسک ژئوپلیتیک تعریف می‌شوند. تأثیر تنش‌های نظامی-امنیتی منطقه غرب آسیا بر اقتصاد کشورهای منطقه علی‌الخصوص سوریه و عراق به تخریب دارایی‌های فیزیکی و سرمایه‌های ثابت محدود نمی‌شود. ریسک تنش‌های امنیتی و تخریب تأسیسات و زیرساخت‌های ایجادشده، از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌ها، از دست رفتن بازارهای عرضه محصول، مهاجرت نیروی انسانی و مشکلات مربوط به تأمین مواد اولیه باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران علی‌رغم وجود منافع بسیار، در

خصوص سرمایه‌گذاری در کشورهای درگیر تنش و بی‌ثباتی نظیر سوریه، عراق، لبنان و افغانستان با احتیاط رفتار کنند و یا از سرمایه‌گذاری منصرف شوند؛ لذا بررسی ریسک سیاسی و راهکارهای پوشش آن، اصلی‌ترین مسئله در رابطه با پوشش ریسک فعالیت اقتصادی در کشورهای منطقه است.

## ۴- ریسک سیاسی و انواع آن

بیمه ریسک سیاسی (PRI<sup>۱</sup>) مدرن پس از جنگ جهانی دوم برای ترویج سرمایه گذاری تحت طرح مارشال شکل گرفت. برای بیش از چهل سال، بیمه ریسک سیاسی تحت سلطه موسسات دوجانبه، مانند شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی خارج از کشور ایالات متحده (OPIC) بود که توسط دولت‌های ملی به نفع سرمایه خصوصی ملی آن‌ها اداره می‌شد. مؤسسات چندجانبه متعددی مانند آژانس ضمانت سرمایه‌گذاری چندجانبه بانک جهانی (MIGA<sup>۲</sup>) نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ در پوشش ریسک سیاسی شرکت کردند. موسسات چندجانبه به‌عنوان مجرای تأمین مالی برای توسعه اقتصاد منطقه‌ای و در کشورهای عضو عمل می‌کنند و کاهش ریسک سیاسی آن‌ها عمدتاً در قالب ضمانت‌هایی، اعم از ریسک جزئی یا اعتباری است.

امروزه تجارت جهانی با سطح قابل توجهی از ریسک‌های سیاسی روبه‌رو است. بدیهی است که به‌مرور زمان ماهیت ریسک‌های سیاسی تغییر شکل داده و هم‌اکنون این ریسک یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که تجارت جهانی را به‌ویژه در مورد ارزیابی دقیق و مدیریت آن به‌شدت به چالش کشیده است.

ریسک سیاسی به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید. ریسک سیاسی بازدهی سرمایه‌گذاری در یک کشور را مختل می‌کند و سطح اطمینان از سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. این ریسک مرتبط با

---

1. Political Risk Insurance

2. Multilateral Investment Guarantee Agency

جنبه‌های کیفی اقتصاد است که می‌توان آن را از جمله مهم‌ترین ریسک‌های فعالیت اقتصادی برون‌مرزی دانست. به عبارت دیگر، ریسک سیاسی مربوط به عواملی است که مستقیماً در رابطه با محاسبات اقتصادی مطرح نمی‌شوند ولی بر آن تأثیر می‌گذارند. با توجه به اهمیت ریسک سیاسی در فعالیت‌های اقتصادی فرا سرزمینی، سرمایه‌گذاران، تجار و همچنین دولت‌ها به ارزیابی این ریسک توجه خاصی دارند.

بر طبق نظر اگمنت<sup>۱</sup> ریسک سیاسی به منزله تغییرات غیرمنتظره در عوامل تولید، دادوستد کالا و خدمات ناشی از اقدامات و واکنش‌های دولت تعریف شده است. ریسک سیاسی مهم‌ترین عامل خطرپذیری خارجی است که سودآوری سرمایه‌گذاری خارجی را در معرض آسیب قرار می‌دهد. این ریسک ناگهانی‌ترین رویدادی است که بر وضعیت سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی فعال در یک کشور اثر می‌گذارد. نیروهای سیاسی موجود در یک کشور می‌توانند تغییرات اساسی و عمده‌ای را در وضعیت کشور به وجود آورند و این تغییرات بر منافع و سایر هدف‌های سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی تأثیر می‌گذارد. برای تحقق ریسک سیاسی لازم است که تغییرات سیاسی در محیط کار پیش آید به طوری که سبب انقطاع و عدم استمرار فعالیت‌های یک سازمان و یا شرکت‌های خارجی شود. ضمناً امکان پیش‌بینی تغییرات مزبور نیز به سختی فراهم باشد. ریسک سیاسی یعنی این احتمال که وقایع و نیروهای سیاسی در یک کشور در مقابل کوشش شرکت‌های چندملیتی برای رسیدن به اهداف خود، به ویژه سودآوری کارشکنی کنند و بر آن‌ها اثر منفی بگذارند.

تغییرات حاکمیتی منجر به تغییرات قوانین و تغییرات قوانین منجر به تغییرات سناریوها و شرایط اقتصادی و تجاری می‌شود. این تغییرات در هر سطحی اعم از ملی، فدرال، استانی و ... می‌تواند رخ دهد؛ لذا ریسک سیاسی به دو گونه خرد و کلان تقسیم می‌شود.

**الف) ریسک سیاسی کلان:** زمانی که این ریسک به وجود می‌آید تمامی مؤسسات خارجی در یک کشور تحت تأثیر مخاطرات سیاسی واقع می‌شوند. به عنوان مثال، سلب مالکیت از دارایی‌های خارجی‌ها، زمینه‌سازی قانونی برای

---

1. Egmont

ملی‌سازی، قوانین محدودکننده سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین تحریم اقتصادی شرکت‌های تابع یک کشور خاص، ریسک سیاسی کلان محسوب می‌شوند.

**(ب) ریسک سیاسی خرد:** ریسک سیاسی خرد تنها متوجه بخش خاصی از اقتصاد یا تعدادی از شرکت‌های به‌خصوص خارجی است و تمام فضای اقتصاد را در بر نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال وضع مقررات ویژه برای برخی صنایع، وضع مالیات بر برخی گونه‌های خاص فعالیت‌های اقتصادی و زمینه‌سازی قانونی برای بومی‌سازی تولید برخی کالاها از مصادیق ریسک سیاسی خرد محسوب می‌شوند.

همچنین می‌توان انواع ریسک‌های سیاسی را از منظر نحوه تاثیرگذاردن بر فعالیت شرکت‌های خارجی در یک کشور به صورت زیر دسته‌بندی کرد<sup>۱</sup>:

**۱. مصادره:** گرفتن دارایی خصوصی یک شرکت یا سازمان توسط دولت بدون پرداخت غرامت، به این بهانه که شرکت به استثمار کشور می‌پردازد.

**۲. انکار و نفی قرارداد:** امتناع دولت از ایفای تعهدات ناشی از قرارداد بدون ارائه دلیل مشخص و نقض قراردادها، توافق‌ها یا فسخ آن‌ها به علت بازطراحی الگوهای سیاست خارجی است.

**۳. عدم تبدیل ارز:** ایجاد محدودیت‌هایی برای انتقال سود شرکت‌های خارجی به کشور مبدأ، از طریق تصویب قوانین ویژه یا طولانی کردن مسیر تبدیل ارز به نحوی که امکان انتقال ارز به‌سختی امکان‌پذیر شود.

**۴. اقدامات تبعیضی و مداخله دولتی:** وضع نرخ مالیات برای شرکت‌های خارجی بالاتر از شرکت‌های داخلی و به‌صورت کلی اعمال تبعیض‌های مالیاتی، کنترل دستوری قیمت‌ها، عقد قراردادهای فرعی اجباری، کیفیت بروکراسی از مصادیق ریسک سیاسی محسوب می‌شوند.

**۵. تحریم:** هرگونه ممانعتی که از طرف دولت نسبت به تجارت وضع شود، مانند ممنوعیت فروش بعضی از کالاها و خدمات به یک کشور خاص را شامل می‌شود.

**۶. خلع ید از مالکیت:** نفی مالکیت خصوصی شرکت خارجی و پرداخت غرامت در

۱. انواع ریسک‌های سیاسی از جمع‌بندی انواع ریسک‌های مطرح‌شده توسط صندوق ضمانت صادرات ایران، بانک صادرات و واردات آمریکا، شرکت تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا و سایر مقالات مورد استناد در گزارش احصا شده‌اند.

- مقابل آن است. خلع ید گاهی به صورت آهسته و خزنده صورت می‌پذیرد؛ مانند افزایش تدریجی نرخ مالیات بر سود، به نحوی که نهایتاً ادامه‌ی کار برای شرکت خارجی بی‌فایده می‌شود. همچنین ایجاد موانع روزافزون برای انتقال سود سهام از کشور میزبان، تغییر دادن درصد مالکیت محلی و غیره را شامل می‌شود.
- ۷. ملی کردن:** متمرکز کردن عوامل تولید در دست دولت و انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی با این پیش فرض که انتقال مالکیت به نفع عموم است.
- ۸. فساد:** گستردگی فساد، گستردگی دامنه‌ی جرائم در جامعه و عدم توانایی مبارزه با آن، رشوه، کارشکنی و غیره.
- ۹. قوانین و مقررات:** وجود قوانین و مقررات نامناسب و تغییرات قوانین و مقررات تجاری، قضایی و غیره، سیاست‌های اقتصادی دولت، کیفیت نظام اداری مبتنی بر قوانین، حاکمیت قانون به صورت نامناسب.
- ۱۰. تقاضای غیرقانونی برای ضبط وثیقه‌ها:** ضبط وثیقه‌های سپرده‌شده بابت حسن انجام کار و غیره.
- ۱۱. تنش‌های نظامی:** نظامی‌گری، جنگ و درگیری خارجی.
- ۱۲. تنش‌های امنیتی:** شورش، آشوب و قیام اجتماعی داخلی، تهدیدات ثبات سیاسی، انقلاب سیاسی، عملیات تروریستی و خرابکاری، تنش‌های قومی، تنش‌های مذهبی.



## ۵- ریسک‌های سیاسی کشورهای منطقه

ریسک سیاسی متأثر از شرایط ساختاری و حاکمیتی کشورهای منطقه، اعم از ساختارهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی، ضعف‌های نهادی و تنش‌های امنیتی-نظامی، فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. عمده عوامل ریسک سیاسی این کشورها را می‌توان در چند شاخه زیر طبقه‌بندی کرد.

### ۵-۱. جنگ و تنش‌های امنیتی - نظامی

در سوریه و عراق تنش‌های امنیتی-نظامی متعددی از جمله موارد زیر وجود دارد.

- عملیات گروه‌های تروریستی معارض حاکمیت از جمله داعش، جبهه النصره و گروه‌های تحت حمایت ترکیه
- حضور و دخالت نظامی آمریکا
- تهدیدات نظامی اسرائیل
- تنش‌های حاکمیت با جمعیت کرد سوریه و عراق
- هسته‌های خاموش و تهدیدات بالقوه گروه‌های معارض

تهدیدات امنیتی-نظامی می‌تواند در نظر فعالین اقتصادی به منزله تهدید نابودی سرمایه‌های فیزیکی، اشغال فضای جغرافیایی فعالیت، از دست رفتن بازارهای هدف محصولات، غیرممکن شدن ترانزیت نهاده‌ها و محصولات، عدم دسترسی به حامل‌های انرژی و تلفات نیروی انسانی قلمداد شود.

خسارات وارد شده به سرمایه‌های فیزیکی بخش نفت سوریه مثالی از تأثیر تنش‌های امنیتی-نظامی بر اقتصاد سوریه است. بنا به اظهارات بسام تهمه، وزیر نفت سوریه در مجلس این کشور، در طول جنگ سوریه در مجموع ۱۹/۳ میلیارد دلار به تجهیزات نفتی این کشور خسارت وارد شده است. در طول جنگ، حملات گروه‌های تروریستی معادل ۱۶/۳ میلیارد دلار و حملات ائتلاف بین‌المللی ضد داعش معادل ۳ میلیارد دلار از تجهیزات نفتی سوریه را به ورطه نابودی کشاند.<sup>۱</sup> در مجموع حاصل تنش‌های امنیتی-نظامی برای صنعت نفت سوریه ۹۱/۵ میلیارد دلار خسارت بوده است.

## ۵-۲. انحصار دولتی و قیمت‌گذاری دستوری

برخی کشورهای منطقه مانند عراق و سوریه به علل مختلف در بخش‌های گوناگون اقتصاد از انحصار دولتی و قیمت‌گذاری دستوری رنج می‌برند. این موضوع یکی از مشکلات فعالیت شرکت‌ها و بازرگانان ایرانی در این کشورها است.

سوریه در دهه ۱۹۲۰ تحت قیمومیت فرانسه اداره و به‌عنوان مستعمره این کشور محسوب می‌شد. سوریه در سال ۱۹۴۶ به استقلال رسید و با مستقل شدن سوریه، اندیشه‌های کمونیستی در ساختارهای حاکمیتی این کشور ظهور و بروز پیدا کرد. ظهور کمونیسم در نظام حکمرانی سوریه و تبعیت از رویه‌های این تفکر در بازرراحی نظامات اقتصادی، دخالت حداکثری دولت در اقتصاد را در پی داشت. هم‌اکنون با تداوم روند مذکور، عمده صنایع سوریه ماهیت دولتی داشته و سایر بخش‌ها در اکثر موارد مجبورند برای سرمایه‌گذاری با دولت این کشور رقابت کنند. مداخلات دولت در قیمت‌گذاری محصولات و کالاهای مصرفی در این کشور نیز مشهود است. نرخ‌گذاری اکثر کالاهای در سوریه به‌صورت دستوری است و فعالان اقتصادی موظف‌اند کالاهای خود را با نرخ مصوب دولتی به دست مصرف‌کننده برسانند.

دولت عراق هم یک دولت متکی به نفت و درآمدهای آن است. از طرفی اقتصاد عراق یک اقتصاد دولتی است و این وابستگی اقتصاد به دولت در طول زمان نیز

۱. خبرگزاری فارس، گزارش شماره 13991202000844

افزایش یافته است. به طوری که هزینه‌های پرداخت حقوق کارمندان و بازنشستگان طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹، پنج برابر شده است و همچنان ادامه دارد.

### ۵-۳. محدودیت در تبدیل و انتقال ارز

یکی از مخاطرات جدی در تجارت و سرمایه‌گذاری ایجاد محدودیت در تبدیل و انتقال ارز است. این مشکل به تنهایی توان از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاران و تجار را دارد. کشور عراق پس از اشغال توسط آمریکا دچار مشکلات ارزی شد. آمریکا ذیل اجرای پروژه ملت‌سازی خود در عراق برای ایجاد نفوذ در ساختار اقتصادی و ایجاد ثبات در نرخ ارز این کشور اقدام به میخکوب کردن نرخ ارز کرد. در این سیاست یک نرخ ارز ثابت اعلام شده و بانک مرکزی با کمک وام‌های بین‌المللی اقدام به حفظ این نرخ می‌نماید. در حال حاضر آمریکا از این اهرم برای فشار به دولت عراق استفاده می‌کند. لبنان نیز طی سال‌های اخیر درگیر بحران بانکی شدیدی شده است که دارای عوامل داخلی و خارجی متعددی است. این بحران بانکی در کنار انفجار بندر بیروت موجب کاهش شدید ارزش پول ملی این کشور شده است. لذا مقامات لبنانی مجبور به اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه‌ای در رابطه با خروج ارز از این کشور شدند و همین مسئله موجب انسداد دارایی‌های ارزی تجار در لبنان شده است.

همچنین کشور سوریه به علت جنگ بسیاری از تولید و صادرات و زیرساخت‌های خود را از دست داده است. این مشکلات موجب کاهش درآمدهای ارزی و جهش نرخ ارز در این کشور شده است. مشکل دیگری که نظام ارزی سوریه با آن مواجه شده است از وابستگی ارزی این کشور به لبنان نشأت می‌گیرد. تجار سوری پیش از این حجم بالایی از درآمدهای ارزی خود را در بانک‌های لبنان سرمایه‌گذاری می‌کردند. بروز مشکلات ارزی، تشدید تقاضای ارز و بحران‌هایی نظیر انفجار بندر بیروت در لبنان موجب شد تا مقامات لبنانی مجبور به اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه‌ای در رابطه با خروج ارز از این کشور شوند و همین مسئله موجب انسداد دارایی‌های ارزی تجار سوری در لبنان شد. مسئله بحران ارزی در کشور سوریه با توجه به علل مذکور باعث شده است تا نقل و انتقال

ارز و مبادلات ارزی به یک مسئله امنیتی تبدیل شود. کمبود ارز برای تأمین نیازهای ارزی سوریه موجب شده است تا دولت این کشور نسبت به خروج ارز حساسیت بسیار بالایی داشته باشد و منابع ارزی موجود در سوریه را صرفاً به واردات کالاهایی که اساسی تشخیص داده شده‌اند اختصاص دهد. این مسئله موجب می‌شود تا فعالان اقتصادی سوری نتوانند به تعهدات ارزی خود پایبند باشند و شرکت‌های غیر سوری نتوانند ارز حاصل از فعالیت خود در این کشور را خارج کنند. در برخی موارد هم صادرکنندگان ارز خود را از طرف سوری دریافت کرده‌اند اما به علت وضع همین مقررات محدودکننده توسط دولت این کشور هنگام انتقال ارز با مشکل مواجه شده‌اند.

در افغانستان نیز پس از خروج آمریکا و با توقف ورود کمک‌های بین‌المللی به افغانستان و مسدود شدن ذخایر بانک مرکزی این کشور، ارزش پول افغانستان به شدت کاهش یافته است. این وضعیت، افغانستان را با مشکلات جدی در تأمین کالاهای اساسی مردم مواجه کرده است. اقتصاد افغانستان طی ۲۰ سال اشغال آمریکا و ناتو از ۲۰۰۱ وابسته به کمک‌های خارجی و دلار بوده است. تحریم‌های افغانستان به این معناست که کسب‌وکارها و موسسات عمومی این کشور دسترسی خود به ذخایر، مشتریان خارجی و اهداکنندگان بین‌المللی را از دست داده‌اند.

#### ۴-۵. تحریم

مسئله دیگری که ریسک سرمایه‌گذاری در یک کشور را افزایش می‌دهد، وجود تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور است. برای مثال سوریه هم از جانب اتحادیه اروپا و هم از جانب ایالات متحده آمریکا تحریم شده است. تحریم‌های مذکور ریشه در اختلافات سیاسی میان حاکمیت سوریه با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، تلاش برای حذف بشار اسد از عرصه قدرت و انحلال دولت این کشور دارد. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه از جنس تحریم‌های اولیه است یعنی صرفاً شامل افراد و نهادهایی می‌شود که در حوزه قضایی اتحادیه اروپا قرار دارند.

ایالات متحده آمریکا تحریم‌های خود را هم به صورت اولیه و هم به صورت ثانویه

علیه سوریه اعمال کرده است. تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا محدود به حوزه قضایی این کشور نیست و اعمال فرا سرزمینی آن‌ها موجب می‌شود تمام افراد و نهادهای دنیا مخاطب قوانین تحریمی قرار گیرند. آمریکا تحریم‌های ثانویه خود علیه سوریه را نسبت به افراد و مؤسساتی که ذیل بخش‌های ۷۴۳۸-۷۴۰۴ قانون اختیار دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۲۰ یا قانون حفاظت غیرنظامی از سوریه تحت عنوان تحریم‌های سزار اعمال کرد. آمریکا افراد و نهادهای تحریم شده ذیل این قانون را با برچسب SYRIA-CAESAR اطلاع‌رسانی می‌کند. تحریم سزار تعدادی از افراد، نهادها و مؤسسات فعال در بخش تجارت و سرمایه‌گذاری سوریه را جهت زمین‌گیر کردن اقتصاد این کشور هدف گرفته است.

تحریم‌های مذکور علاوه بر تشدید مشکلات ارزی سوریه، ریسک و هزینه‌ی انتقال پول را برای فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری افزایش داده است. همچنین تحریم‌های مذکور باعث شده‌اند تا تجار و سرمایه‌پذیران سوری نتوانند به تعهدات ارزی خود به‌صورت منظم و دقیق پایبند باشند.

## ۵-۵. بروکراسی ناکارآمد، قوانین تجاری و قضایی نامناسب

اکثر کشورهای منطقه غرب آسیا از بروکراسی ناکارآمد، قوانین تجاری و قضایی نامناسب و ضعف نهادی رنج می‌برند. توسعه‌یافتگی نهادهای مالی در این کشورها عموماً پایین است. مسئله‌ی ناکارآمدی نهادهای مالی و نهادهای مرتبط با تجارت نیز موجب می‌شود تا اطلاعات موردنیاز برای فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشورها به‌صورت دقیق و کافی تولید و منتشر نشود و همچنین ورود حاکمیتی برای تسهیل روابط اقتصادی با این کشورها از طرق متعارف میسر نباشد. به‌عنوان مثال در کشور سوریه، عراق، افغانستان آژانس اعتبار صادراتی وجود ندارد و از همین رو مؤسسات اعتبارسنجی بین‌المللی نمی‌توانند از وضعیت ریسک این کشور تحلیل دقیقی ارائه دهند.

برخی قوانین موجود در کشورها نیز فضا را برای سرمایه‌گذاری محدود می‌کند. به عنوان مثال مطابق با قوانین کشور سوریه چنانچه یک سرمایه‌گذار خارجی بخواهد در

سوریه فعالیت اقتصادی انجام دهد نمی‌تواند مالکیت تمام پروژه را در اختیار داشته باشد. سرمایه‌گذار خارجی برای فعالیت در سوریه به‌ناچار باید با یک فرد یا نهاد سوری وارد تعامل شود و به‌صورت مشارکتی فعالیت خود را پیش ببرد.

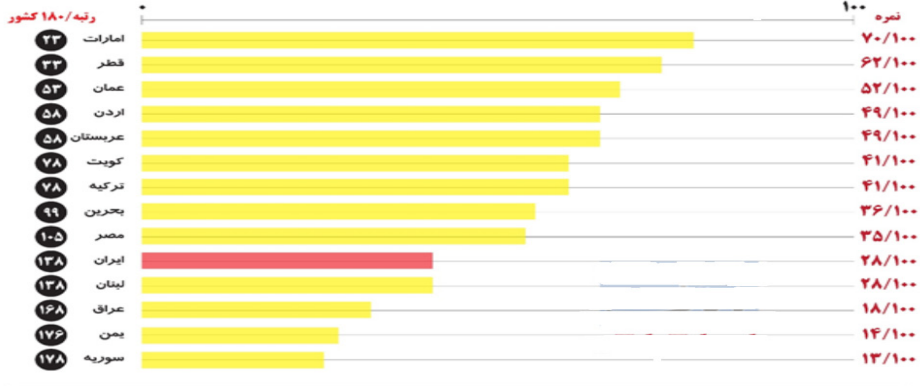
در این کشورها مرجع دعاوی حقوقی و قضایی میان سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی داخلی و خارجی، عموماً دادگاه‌های این کشورها هستند و دادگاه‌ها متن نوشته شده بر اساس زبان رسمی را در خصوص توافق‌نامه‌ها و قراردادهای مورد استناد و ملاک داوری قرار می‌دهند. به عنوان مثال دیگر چنانچه در این کشور از یک سرمایه‌گذار شکایت شود تمام اموال متشاککی که به محل دعاوی مربوط می‌شوند توقیف خواهند شد و تا صدور حکم دادگاه در توقیف باقی خواهند ماند. این مسئله ریسک اخلال در روند انجام پروژه را افزایش می‌دهد.

گذشته از مسائل مطرح‌شده در رابطه با قوانین تجاری و قضایی سوریه، قوانین و مقررات این کشور از حد متناسبی از ثبات برخوردار نیستند و به‌دفعات دستخوش تغییر و تحول می‌شوند. تغییر مکرر قوانین و مقررات تجاری، نرخ‌های تعرفه، مجوز صادرات و واردات کالاها، قواعد مربوط به انتقال ارز و ... و از همه مهم‌تر نااطمینانی نسبت به چگونگی تغییرات قوانین و مقررات مذکور، سرمایه‌گذاری در سوریه را با چالش همراه می‌کند. این شرایط در دیگر کشورهای منطقه نظیر عراق و افغانستان نیز جاری است.

## ۵-۶. گستردگی فساد و رشوه

فساد یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و یکی از موانع اصلی توسعه این کشورها است. همان‌طور که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود بسیاری از کشورهای منطقه از نظر شاخص فساد در وضعیت نامناسبی هستند.

## وضعیت فساد در کشورهای خاورمیانه



### شکل شماره ۱: شاخص فساد در کشورهای منطقه

به عنوان مثال وضعیت نابسامان شاخص‌های اقتصاد کلان در سوریه، بالا بودن نرخ تورم، افزایش مداوم شاخص بهای مصرف‌کننده، فقر، بیکاری و کمبود درآمدهای کارکنان بخش دولتی سوریه نسبت به مخارج زندگی باعث شده است تا کارمندان و کارگزاران بخش دولتی نتوانند برای تأمین هزینه‌های زندگی خود به حقوق و درآمد ثابت خود اکتفا کنند. از طرف دیگر سیستم قضایی این کشور به اندازه‌ای کارآمد نیست که بتواند با جرائم مالی مبارزه و از وقوع آن‌ها پیشگیری کند. عدم کفایت درآمد ثابت کارکنان دولتی در کنار ناکارآمدی سیستم قضایی سوریه موجب شده است تا زمینه‌ها و انگیزه‌های لازم برای رواج فساد اقتصادی در ساختارهای حاکمیتی این کشور فراهم آیند.

تجار و سرمایه‌گذاران خارجی فعال در بازار سوریه همواره این نکته را مدنظر قرار داده‌اند که حتی اگر از حمایت و پشتیبانی سطوح عالی حاکمیتی این کشور نیز برخوردار باشند بازهم گستردگی جرائم مالی و فساد ساختاری موجود در نهادهای حاکمیتی این کشور به حدی قابل توجه است که آن‌ها را برای پیشبرد امور اداری مجبور به پرداخت رشوه به کارمندان و کارگزاران دولتی کند.

# ۶- ارائه‌دهندگان بیمه ریسک سیاسی در دنیا

ماهیت ریسک سیاسی ایجاب می‌کند که نه فعالین و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و نه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ی خصوصی تمایلی به پوشش آن نداشته باشند. بسیاری از فعالان عرصه تجارت به دلیل خطرات موجود در صحنه بین‌الملل، به‌ویژه ریسک‌های سیاسی، تمایلی به حضور در عرصه‌های بین‌المللی بدون دریافت ضمانت پوشش این ریسک ندارند. از طرفی شرکت‌های خصوصی بیمه تجاری به دلیل محدودیت منابع و عدم تمایل به مواجهه‌شدن با ریسک سیاسی، عموماً به سمت پوشش ریسک‌های سیاسی حرکت نمی‌کنند. در این حالت از یک‌سو احساس نیاز و تقاضا برای پوشش این نوع ریسک وجود دارد ولی در طرف مقابل، اقدامی برای عرضه این خدمت صورت نمی‌گیرد. در این شرایط می‌توان ادعا کرد که در صنعت بیمه شکست بازار<sup>۱</sup> رخ می‌دهد. شکست بازار نشان‌دهنده شرایطی در بازار است که کمیت محصول مورد تقاضای مصرف‌کنندگان با مقدار عرضه‌شده از طرف تأمین‌کنندگان برابری ندارد. به عبارت دیگر زمانی که عرضه و تقاضا در تعادل نباشد شکست بازار اتفاق می‌افتد. شکست بازار از جمله شرایطی است که در آن دولت‌ها بر اساس آموزه‌های علم اقتصاد مکلف به دخالت در بازار می‌شوند. همین مسئله موجب شده است که دولت‌ها برای پوشش ریسک سیاسی پا به میدان گذارند و از محل منابع و ذخایر ملی، اقدام به ایجاد بانک‌ها، صندوق‌ها، شرکت‌ها و مؤسساتی کنند که از طریق صدور ضمانت‌نامه‌ها و بیمه‌نامه‌های مختلف،

1. Market failure



ریسک سیاسی حضور در بازار دیگر کشورها را برای بخش خصوصی خود پوشش دهند. ارائه دهندگان بیمه ریسک سیاسی را می‌توان در سه دسته کلی طبقه بندی کرد:

الف. ارائه دهندگان دولتی حمایت شده: شرکت بیمه اعتباری و صادراتی چین (SINOSURE<sup>۱</sup>)، آژانس بیمه صادراتی روسیه (EXIAR<sup>۲</sup>)، آژانس توسعه بین‌المللی استرالیا (AUSAID<sup>۳</sup>)، دپارتمان ضمانت اعتبار صادراتی بریتانیا (DFID<sup>۴</sup>)، بانک صادرات و واردات آمریکا (EX-IM Bank<sup>۵</sup>)، بانک سرمایه گذاری عمومی فرانسه (Bpifrance) و شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC<sup>۶</sup>) هستند.

ب. ارائه دهندگان چند جانبه، مانند MIGA ذیل IMF و ICIEC وابسته به بانک توسعه اسلامی (IDB):

ج. ارائه دهندگان خصوصی، مانند Lloyds، شرکت هرمس آلمان (HERMES<sup>۷</sup>) در کشورهای دنیا دو طراحی نهادی برای پوشش ریسک سیاسی وجود دارد. برخی کشورها مانند ایالات متحده نهادی مستقل (مورد الف) برای انجام این مأموریت تاسیس کرده‌اند (DFC) و برخی کشورها مانند آلمان، فرانسه کانادا، ایتالیا، استرالیا، اندونزی و هندوستان این وظیفه را با تخصیص منابع دولتی در قالب حساب منافع ملی به نهادهای موجود مانند ECAها و بانک‌ها (موارد ب و ج) سپرده‌اند.

## ۱-۶. حساب منافع ملی

ارایه‌دهندگان بیمه ریسک سیاسی با توجه به ماهیت دوگانه ریسک‌های موجود اعم از ریسک‌های قابل فروش در بازار و ریسک‌های غیرقابل فروش در بازار، پاسخ متفاوتی به هر یک از این دوگونه ریسک می‌دهند. این موسسات ریسک‌های قابل فروش در

1. China Export & Credit Insurance Corporation
2. The Russian Agency for Export Credit and Investment Insurance
3. Australian Agency for International Development
4. Department for International Development
5. Export-Import Bank of the United States
6. U.S. International Development Finance Corporation
7. Hermes Cover

بازار (ریسک‌هایی که طبق اصول تجاری بیمه‌ای قابل پوشش و انکائی می‌باشند) را به حساب خود بیمه می‌نمایند و ریسک‌های غیر قابل فروش در بازار را که بر اساس شرایط بازار و ملاحظات تجاری قابل پوشش نیست و نمی‌توانند بصورت اتکایی به سایر شرکت‌ها واگذار کنند، را از محل اعتبارات اختصاص یافته از سوی دولت‌ها پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر این‌گونه اخیر پوشش ریسک‌های غیرقابل فروش در بازار در قالب حساب منافع ملی با تخصیص اعتبار دولتی به اجرا در می‌آید.

ریسک‌های غیرقابل فروش معمولاً ریسک‌هایی هستند که سطح ریسک و یا حجم معامله / طرح صادراتی از ظرفیت بیمه‌ای مؤسسه اعتبار صادراتی بالاتر است و یا پوشش این‌گونه طرح‌ها با اصول بیمه‌ای مطابقت ندارد.

از سوی دیگر اجرای بعضی طرح‌ها به لحاظ منافع استراتژیک از قبیل عوامل سیاسی، روابط دیپلماتیک با برخی کشورها، اهمیت کشور هدف، میزان اشتغالزایی، عوامل توسعه منطقه‌ای و ... برای دولت‌ها حائز اهمیت بوده، به همین جهت پوشش آن معامله / طرح به مؤسسه اعتبار صادراتی تکلیف می‌گردد، که در این حالت می‌بایست ریسک مذکور به حساب دولت منظور شده و درآمد و خسارت احتمالی آن در چارچوب سازوکار جداگانه‌ای ثبت شود. رویه مذکور در بسیاری از موسسات بیمه اعتبار صادراتی با عنوان «حساب منافع ملی» در کشورهای همچون انگلستان، آلمان، کانادا، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، هند، اندونزی و جمهوری چک در حال اجرا است.

## ۷- معرفی و ارزیابی صندوق ضمانت صادرات ایران

صندوق ضمانت صادرات ایران به منظور تأمین امنیت مالی صادرکنندگان ایرانی و در نتیجه توسعه مؤثر صادرات غیرنفتی کشور، به عنوان تنها شرکت دولتی بیمه اعتبار صادراتی وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۱۳۵۲ با همکاری آنکساد تأسیس گردیده و فعالیت خود را تحت نظارت مرکز توسعه صادرات ایران آغاز نمود. البته عمر این سازمان تازه تأسیس چندان طولانی نبود چراکه با بالا رفتن قیمت نفت در نتیجه تحولات سیاسی در منطقه غرب آسیا در اواسط دهه ۷۰ میلادی، درآمد نفتی کشور افزایش یافته و همین موضوع باعث شد که صندوق ضمانت صادرات ایران به دست فراموشی سپرده شود و فعالیت‌های آن به طور کامل متوقف گردد. پس از ده سال عدم فعالیت، بار دیگر صندوق ضمانت صادرات ایران به عنوان یک سازمان وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت و باشخصیت حقوقی و مالی مستقل مجدداً در سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را آغاز نمود تا به صادرکنندگان در باز یافت موقعیت تجاری خود که در اثر ۸ سال جنگ تحمیلی مختل شده بود کمک نماید و موجبات افزایش درآمدهای غیرنفتی را فراهم آورد. منبع مالی صندوق ضمانت صادرات، صندوق توسعه ملی و حجم سرمایه آن معادل ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا است. صندوق ضمانت صادرات ۱۰۰٪ دولتی است و به پشتوانه حمایت‌های مالی دولت، علاوه بر پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری صادرات، با صدور انواع ضمانت‌نامه اعتباری، به تأمین منابع مالی موردنیاز صادرکنندگان نیز کمک می‌نماید. این صندوق پوشش ریسک‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و تأمین مالی

فعالان کسب‌وکار کشور، در حوزه صادرات کالا و خدمات است.

## ۷-۱. خدمات صندوق ضمانت صادرات ایران

صندوق ضمانت صادرات ایران چهار نوع خدمت را به صادرکنندگان ایرانی ارائه می‌دهد:

۱. **خدمات اعتبارسنجی:** اعتبارسنجی خریداران خارجی، اعتبارسنجی بانک‌های خارجی و اعتبارسنجی دولت‌ها
۲. **خدمات بیمه‌نامه‌های صادراتی:** صدور بیمه‌نامه کوتاه‌مدت، بیمه‌نامه میان‌مدت و بلندمدت و بیمه‌نامه سرمایه‌گذاری
۳. **خدمات صدور ضمانت‌نامه‌های صادراتی:** ضمانت‌نامه‌های اعتباری، ضمانت‌نامه‌های بانکی
۴. **خدمات مدیریت ریسک:** خدمات مشاوره‌ای را در قالب استراتژی پوشش کشورها از دیدگاه صندوق و بارومتر ریسک

## ۷-۲. روش انجام مأموریت صندوق ضمانت صادرات ایران

مأموریت محوری صندوق ضمانت صادرات ایران عبارت از پشتیبانی از صادرات کالا و خدمات در ایران از طریق تضمین اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به کالا و خدمات و ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری لازم با سود کم است. این مأموریت در راستای تحقق اهداف این صندوق مبنی بر ترغیب صادرکنندگان به توسعه فعالیت‌های صادرات محور، کاهش نگرانی آنان بابت تأمین ارز، پوشش ریسک صادرات و برگشت پول و سرمایه تعریف شده است. مأموریت این صندوق از طرق زیر انجام می‌پذیرد:

- الف) پوشش ریسک عدم بازپرداخت وجوه خدمات و کالاهای صادراتی توسط خریداران خارجی از طریق صدور انواع بیمه‌نامه‌ها، پس از اعتبارسنجی از خریداران خارجی.
- ب) صدور بیمه‌نامه سرمایه‌گذاری جهت پوشش ریسک‌های سیاسی که سرمایه‌گذاری صادرکنندگان ایرانی در سایر کشورها را به مخاطره می‌افکند.
- پ) تسهیل تأمین منابع مالی موردنیاز صادرکنندگان از طریق صدور انواع

ضمانت‌نامه‌های اعتباری و بانکی به نحوی که میزان اعتبار صادرکنندگان پس از اعتبارسنجی دقیق، نزد بانک‌های تأمین‌کننده مالی/تولیدکنندگان از طریق این ضمانت‌نامه‌ها تضمین گردد.

ت) بررسی دوره‌ای وضعیت اقتصادی کشورها و بازارهای هدف و تعیین رتبه و سقف اعتباری کشورها، ارزیابی بانک‌ها و خریداران معتبر و موردقبول، و تعیین سیاست پوششی کلی در قبال هر کشور.

### ۳-۷. انواع بیمه‌نامه‌های صندوق ضمانت صادرات ایران

بیمه‌نامه‌های صندوق از نظر زمانی به سه دسته کوتاه‌مدت (حداکثر ۲ سال)، میان‌مدت (۲ تا ۵ سال) و بلندمدت (بیش از ۵ سال) تقسیم می‌شوند.

#### ۱-۳-۷. بیمه‌نامه‌های کوتاه‌مدت

۱. بیمه‌نامه خاص صادرات: بیمه یک قرارداد صادراتی با یک خریدار مشخص در مقابل خطر عدم دریافت وجه کالا ناشی از بروز ریسک‌های سیاسی و تجاری است.  
۲. بیمه‌نامه کل گردش صادرات: در طول اعتبار یک‌ساله خود، کلیه صادرات صادرکننده به کشورهای مختلف را در مقابل ریسک‌های عمده سیاسی و تجاری تحت پوشش قرار می‌دهد.

ریسک‌های تحت پوشش بیمه‌نامه‌های خاص و کل گردش صادرات:

#### الف) ریسک‌های تجاری: پوشش ۹۰٪

۱. عدم توانایی مالی خریدار به دلیل ورشکستگی، اعسار یا توقف
۲. استتکاف خریدار از قبول کالای صادرشده یا خدمت انجام‌شده
۳. عدم پرداخت بهای کالا یا خدمت در سررسید مقرر

#### ب) ریسک‌های سیاسی: پوشش ۹۵٪

۱. سیاست‌های مربوط به محدودیت‌های وارداتی و ارزی در کشور خریدار اعمال شود.
۲. جنگ یا حالت جنگ اتفاق بیفتد.

۳. تیره شدن روابط یا قطع روابط سیاسی با کشور خریدار به نحوی که در نتیجه آن صادرکننده موفق به دریافت مطالبات خود در سررسید نشود.

۴. اعمال سیاست‌های اقتصادی که موجب مسدود شدن مطالبات صادرکنندگان شود.

۵. سلب مالکیت از خریدار براهثر ملی شدن یا مصادره اموال به نحوی که صادرکننده موفق به دریافت مطالبات خود نشود.

۶. سایر عوامل خارج از حیطه اختیار صادرکننده و خریدار که به تشخیص هیئت مدیره صندوق موجب عدم وصول مطالبات صادرکننده شود.

**پ) بیمه‌نامه پوشش خرید دین اسناد صادراتی:** مختص بانک‌های عامل ایرانی است که نسبت به خرید دین اسناد صادراتی پیمانکاران/صادرکنندگان ایرانی اقدام می‌نمایند.

**ت) بیمه‌نامه تضمین مطالبات بانک بابت اعتبارات اسنادی دیداری:** ریسک‌های تحت پوشش بیمه‌نامه‌های پوشش خرید دین اسناد صادراتی و تضمین مطالبات بانک بابت اعتبارات اسنادی:

۱. بانک گشایش کننده/ تأییدکننده اعتبار اسنادی از پرداخت وجه اعتبار اسنادی باوجود مطابقت اسناد با شرایط اعتبار استنکاف کند.

۲. سیاست‌های مربوط به محدودیت‌های وارداتی و ارزی در کشور خریدار اعمال شود.

۳. جنگ یا حالت جنگ اتفاق بیفتد.

۴. اعمال سیاست‌های اقتصادی که موجب مسدود شدن مطالبات بانک شود.

۵. تیره شدن روابط سیاسی با کشور خریدار به نحوی که در نتیجه آن بانک موفق به دریافت مطالبات خود نشود.

۶. ورشکستگی بانک گشاینده/ تأییدکننده اعتبار اسنادی اتفاق بیفتد.

**ث) بیمه‌نامه بلااثر شدن قرارداد صادراتی:** پوشش ریسک‌های منجر به فسخ قرارداد فروش بین صادرکننده و خریدار که در آن صادرکننده قادر به فروش کالای سفارشی تولیدشده در داخل کشور نباشد.  
ریسک‌های تحت پوشش:

۱. تحریم کشور خریدار و لغو مجوز واردات
۲. تحریم کشور صادرکننده و لغو مجوز صادرات
۳. تحریم کشور ثالث
۴. جنگ
۵. فسخ توسط خریدار
۶. عدم ایفای تعهدات خریدار

### ۲-۳-۷. بیمه‌نامه‌های میان‌مدت و بلندمدت

۱- **ضمانت‌نامه اعتبار خریدار:** پوشش‌دهنده ریسک عدم بازپرداخت اصل و سود اعتبارات اعطایی از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی به خریداران/بانک‌های خارجی، به درخواست و به نفع بانک‌ها و مؤسسات تأمین‌کننده مالی ایرانی است. این ضمانت‌نامه پوشش‌دهنده بانک‌ها در رابطه با بازپرداخت اقساط اعتبارات اعطایی توسط کارفرما در برابر بروز انواع ریسک‌های سیاسی و تجاری است.

۲- **بیمه‌نامه سرمایه‌گذاری:** این بیمه‌نامه پوشش‌دهنده اصل و سود سرمایه‌گذاری‌های میان و بلندمدت سرمایه‌گذاران ایرانی در کشورهای هدف باهدف توسعه صادرات غیرنفتی در خارج از کشور است. این بیمه طرح‌های سرمایه‌گذاری در مقابل ریسک‌های سیاسی دولت میزبان ازجمله ریسک عدم انتقال اصل و سود سرمایه‌گذاری، ملی شدن و یا مصادره اموال، جنگ و غیره را بیمه می‌کند.

ریسک‌های تحت پوشش:

۱. ریسک جنگ و اغتشاشات مدنی
۲. ریسک سلب مالکیت و اقدامات مشابه
۳. ریسک محدودیت در انتقال ارز
۴. ریسک نقض قرارداد طرح

۳- **بیمه‌نامه خاص صادرات خدمات فنی و مهندسی:** بیمه‌نامه‌ای است که به‌منظور پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری مطالبات صادرکننده کالای سرمایه‌ای /

پیمانکار ایرانی از خریدار/کارفرمای خارجی و بنا به درخواست صادرکننده/پیمانکار ایرانی از سوی صندوق به نفع وی صادر می‌شود.

## ۷-۴. انواع ضمانت‌نامه‌های صندوق ضمانت صادرات

### ۷-۴-۱. ضمانت‌نامه‌های اعتباری

**الف) ضمانت‌نامه اعتبار بانکی (ریالی و ارزی):** سند تعهدآوری است که به‌عنوان وثیقه مورد درخواست اعتباردهندگان (بانک‌ها و مؤسسات اعتباری) و بنا به درخواست آن‌ها جهت تضمین تعهدات صادرکننده از سوی صندوق به‌عنوان ضامن به نفع اعتباردهنده به‌صورت ریالی و یا ارزی (با توجه به نوع تسهیلات مصوب توسط اعتباردهنده) صادر می‌گردد.

**ب) ضمانت‌نامه اعتبار تولیدی (ریالی و ارزی):** سند تعهدآوری است که به‌عنوان وثیقه مورد درخواست تولیدکنندگان و بنا به درخواست آن‌ها جهت تضمین تعهدات صادرکنندگان از سوی صندوق به‌عنوان ضامن به نفع تولیدکننده و یا نمایندگان آن‌ها به‌صورت ریالی و یا ارزی (با توجه به نوع درخواست) صادر می‌گردد.

### ۷-۴-۲. ضمانت‌نامه‌های بانکی

**الف) ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه:** سند تعهدآوری که برای تضمین انجام تعهد و عقد قرارداد در صورت برنده شدن در مناقصه برگزاشده و به‌منظور جبران ضرر و زیان ناشی از انصراف و عدم ایفاء تعهد برنده در مناقصه به نفع طرف قرارداد صادر می‌گردد.

**ب) ضمانت‌نامه پیش‌پرداخت:** سند تعهدآوری که برای تضمین انجام تعهد پیمانکاران و یا فروشندگان کالا و خدمات در قبال وجه پیش‌پرداخت دریافتی از سوی کارفرما و یا خریدار، منطبق با شرایط قراردادی، صادر می‌گردد.



## ۳-۴-۷. ضمانت‌نامه‌های بانکی صندوق ضمانت صادرات ایران

**الف) ضمانت‌نامه حسن انجام کار:** سند تعهدآوری که برای تضمین و اطمینان از انجام به‌موقع و دقیق تعهدات توسط پیمانکاران پروژه‌ها منطبق با شرایط قراردادی، صادر می‌گردد.

**ب) ضمانت‌نامه استرداد کسور وجه‌الضمان:** سند تعهدآوری که برای تضمین و اطمینان از انجام درست و به‌موقع کار توسط پیمانکار و یا خریدار در قبال بخشی از مبلغ ناخالص صورت‌حساب‌های هر دوره منطبق با شرایط قراردادی، صادر می‌گردد.

**۴-۴-۷. ضمانت‌نامه گمرکی:** سند تعهدآوری است که به‌منظور تضمین تعهدات حقوق ورودی، عوارض و جرایم احتمالی واردات موقت (جهت پردازش) توسط صادرکننده، به نفع گمرک جمهوری اسلامی ایران صادر می‌شود.

## ۵-۷. خدمات مدیریت ریسک صندوق ضمانت صادرات ایران

در ارزیابی ریسک یک کشور، توانایی آن کشور نسبت به بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های خارجی خود با عنایت به شاخص‌های اقتصادی و سیاسی اندازه‌گیری می‌شود. اهم فعالیت‌های ارزیابی در مدیریت ریسک صندوق ضمانت صادرات عبارتند از:

۱. پیشنهاد پوشش کشورها و تعیین سقف پوشش
۲. اعتبارسنجی بانک‌ها و نهادهای دولتی خارجی
۳. تحقیقات و دیدبانی ریسک شامل ریسک کشوری، ریسک بانکی، ریسک صنایع و ریسک پرتفوی

## ۶-۷. نحوه ارزیابی ریسک کشورها در صندوق ضمانت صادرات ایران

رتبه‌بندی اعتباری کشورها و دولت‌ها توسط مؤسسات مختلفی در جهان با اهداف متفاوت انجام می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها مؤسسات FitchRatings، Standard and Poor's (S&P) و Moody's هستند. دولت‌ها برای دسترسی به بازار سرمایه بین‌المللی و تأمین مالی

خارجی، عمدتاً نیازمند اخذ رتبه اعتباری از مؤسسات اعتبارسنجی به ویژه FitchRatings، Standard and Poor's (S&P) هستند. این مؤسسات اعتبارسنجی، شرکت‌ها و کشورها را از بهترین کیفیت اعتباری (AAA) تا بدترین وضعیت اعتباری (D) طبقه‌بندی می‌کنند. مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری دیگری که تنها در اقتصادهای نوظهور فعالیت می‌نماید و بازار ایران را هم تحت پوشش دارد Capital Intelligence (CI) است. به‌علاوه، آژانس‌های اعتبار صادراتی (ECA) که هم‌تایان صندوق ضمانت صادرات ایران در سطح دنیا محسوب می‌شوند نیز به‌منظور پوشش ریسک‌های صادراتی شامل ریسک‌های سیاسی و تجاری، کشورها را بر اساس وضعیت ریسک کشوری به هفت طبقه از «۱» به معنی بسیار کم ریسک تا «۷» به معنی بسیار پر ریسک طبقه‌بندی می‌کنند.

صندوق ضمانت صادرات ایران خود نظام اعتبارسنجی داخلی برای بررسی کشورها و شرکت‌های خارجی دارد. اعتبارسنجی صندوق بر اساس داده‌های مورد نیاز برای اعتبارسنجی توسط نهادهای بین‌المللی و یا خود شرکت‌ها و مشتریان صندوق تامین می‌شود. لذا بررسی‌های صندوق در مواردی که اطلاعات نهادهای بین‌المللی اعتبارسنجی موجود است به نتایج بررسی این نهادها وابسته است. معادل‌سازی ریسک کشوری مطابق با الگوی معرفی‌شده در جدول زیر انجام می‌پذیرد.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی ریسک کشوری در مؤسسات بین‌المللی مختلف

صندوق ضمانت صادرات ایران	Fitch-CI-S&P	Moody	EIU	معنای درجات اعتباری
۱	AAA	Aaa	AAA	بسیار کم ریسک
۲	+AA تا +A	Aa1 تا A1	AA	کم ریسک
۳	A تا +BBB	A تا Baa1	A	ریسک متوسط به پایین
۴	BBB تا +BB	Baa2 تا Ba1	BBB	ریسک متوسط
۵	BB تا -BB	Ba2 تا Ba3	BB	ریسک متوسط به بالا
۶	+B تا -B	B1 تا B3	B	پر ریسک
۷	D تا CCC	C تا Caa1	CCC تا D	بسیار پر ریسک

## ۷-۶-۱. محدودیت‌های روش ارزیابی صندوق از ریسک کشورها

صندوق از دو طریق به ارزیابی ریسک کشورها و شرکت‌ها می‌پردازد. روش اول استفاده از اطلاعات نهادهای اعتبارسنجی بین‌المللی و روش دوم دریافت اطلاعات شرکت‌ها و انجام ارزیابی توسط کارشناسان خود صندوق است. روش دوم در کشورهایی قابل انجام است که ارائه دهنده مشخصات اعتباری (Credit Profile Provider) مورد اعتماد وجود داشته باشد. از طرفی متکی و وابسته بودن ارزیابی‌های صندوق ضمانت صادرات به نهادهای اعتبارسنجی بین‌المللی از دو جهت محدودیت‌هایی را به همراه خواهد داشت.

محدودیت اول مربوط به دسترسی به اطلاعات است. شماری از کشورهای منطقه غرب آسیا و سایر نقاط جهان که مبادلات اقتصادی با آن‌ها از نظر سیاسی و اقتصادی برای ایران حائز اهمیت و سودآور است به دلیل ضعف در سیستم‌ها و نهادهای مالی نمی‌توانند در ارزیابی‌های سازمان‌های بین‌المللی جایی داشته باشند. جای خالی اطلاعات این قبیل کشورها در ارزیابی‌های سازمان‌های بین‌المللی اعتبارسنجی موجب می‌شود تا صندوق ضمانت صادرات نتواند از وضعیت کشورهای مدنظر ارزیابی واقعی و دقیقی ارائه دهد. به‌عنوان مثال از کشور سوریه به خاطر عدم توسعه سیستم‌های مالی و نداشتن آژانس اعتبار صادراتی، اطلاعاتی در بخش طبقه‌بندی وجود ندارد.

محدودیت دوم به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران باز می‌گردد که به موجب آن، دسترسی صندوق ضمانت صادرات ایران به اطلاعات تولیدشده در سازمان‌های اعتبارسنجی بین‌المللی محدود شده است. در دسترس نبودن اطلاعات و ارزیابی‌های صورت گرفته توسط این سازمان‌ها، آن‌هم در هنگامی که اعتبارسنجی صندوق متکی به آن‌ها است موجب خواهد شد تا فرایند خدمات ریسک‌سنجی صندوق مختل شود.

## ۷-۶-۲. بیش‌برآورد ریسک با وجود عوامل مشابه در ایران و کشورهای هدف

تحریم یکی از مؤلفه‌های اصلی در افزایش ریسک سیاسی است. تحریم‌های اقتصادی، ریسک سیاسی کشورهای ایران، کره شمالی، سوریه، لیبی و ونزوئلا را افزایش داده است. این افزایش ریسک برای کشورهای ثالث محسوس است اما هنگامی که نهادهای تحریم

شده ایران بخواهند با نهادهای تحریم شده از این کشورها مراد داشته باشند، به علت دوطرفه بودن تحریم، اثر ریسک سیاسی تحریم خنثی می‌شود. برای نمونه چنانچه یک بانک تحریم شده در ایران بخواهد با یک بانک تحریم شده در سوریه تعامل داشته باشد ارزیابی صندوق ضمانت صادرات ایران از ریسک همکاری با این بانک سوری چنانچه مبتنی بر ارزیابی‌های بین‌المللی باشد به دلیل تحریم‌های وضع شده علیه این بانک از حالت عادی بیشتر می‌شود؛ چراکه در ارزیابی‌های بین‌المللی صرفاً تحریم بودن بانک سوری لحاظ و بانک متقاضی همکاری با آن، یک بانک سفید تلقی می‌شود. اما در عمل با تحریم بودن هر دو طرف علاوه بر اینکه اثر این ریسک مشترک خنثی می‌شود همکاری این دو بانک فرصتی برای تشکیل یک پازل ضد تحریمی و فرار از مصائب تحریم به وجود می‌آورد.

## ۷-۷. نحوه تعیین سقف پوشش کشورها

سقف پوشش کشورها برای استفاده از خدمات صندوق ضمانت صادرات در سه مرحله تعیین می‌شود. در مرحله اول با در نظر گرفتن چند شاخص اقتصادی در رابطه با کشور هدف و استفاده از یک فرمول محاسباتی حجم پوشش پایه مشخص می‌شود. شاخص‌های اقتصادی مورد استفاده در این گام عبارت‌اند از:

- حجم تجارت کشور هدف با ایران: TTI
- سهم کشور هدف در صندوق بین‌المللی پول: QC
- بدهی‌های خارجی کشور هدف: TD
- حجم تجارت خارجی کشور هدف با دنیا: TTW
- تولید ناخالص داخلی کشور هدف: GDP

حجم پوشش اولیه صندوق ضمانت صادرات ایران با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$C = 300\% \cdot TTI + 80\% \cdot QC + 5\% \cdot TD + 4\% \cdot TTW + 1\% \cdot GDP$$

در مرحله دوم تعیین سقف پوشش ریسک متناسب با گروه‌بندی‌های صورت گرفته

در رابطه با ریسک کشوری، به حجم پوشش اولیه یک ضریب تعلق می‌گیرد. ضریب‌های مذکور بر اساس جدول زیر اعمال می‌شوند.

جدول شماره ۲: ضرایب حجم پوشش اولیه بر اساس گروه ریسک کشوری

گروه ریسک کشوری	حداکثر سقف مجاز (میلیون دلار)
۱	۱٫۵*C
۲	۱٫۳۵*C
۳	۱٫۲*C
۴	۱٫۰۵*C
۵	۰٫۹*C
۶	۰٫۷۵*C
۷	۰٫۶*C

مرحله سوم تعیین سقف پوشش، اعمال سیاست‌های دولت و صندوق برای تعدیل نهایی سقف پوشش است، به این معنا که چنانچه روابط سیاسی ایران با یک کشور ثالث تیره شود سقف پوشش کاهش و چنانچه مصالحی در جهت افزایش مبادلات وجود داشته باشد سقف پوشش افزایش می‌یابد.

صندوق ضمانت صادرات همچنین سه نوع سیاست مختلف را در رابطه با اعطای اعتبارات و پوشش ریسک کشورها به کار می‌بندد:

- **پوشش باز:** در این سیاست ارائه پوشش برای اعتبارات کوتاه و میان و بلندمدت امکان‌پذیر است.
- **پوشش محدود:** در این سیاست ارائه پوشش جهت اعتبارات کوتاه‌مدت امکان‌پذیر است؛ اما برای اعتبارات میان و بلندمدت به صورت موردی و با تأیید هیئت‌مدیره پوشش ارائه می‌گردد.
- **پوشش مسدود:** در این نوع پوشش ارائه پوشش جهت اعتبارات کوتاه‌مدت

به صورت موردی و با تأیید هیئت مدیره امکان پذیر بوده و پوشش های میان و بلندمدت مسدود است.

● **پوشش معلق:** در این نوع پوشش به علت قطع روابط سیاسی با یک کشور پوشش کشور مدنظر در حالت تعلیق قرار می گیرد.

## ۷-۸. بررسی موردی: وضعیت گروه ریسک و سقف پوشش کشور سوریه

بر اساس گزارش شماره ۱۶۱ ماهنامه خبری تحلیلی ریسک کشوری صندوق ضمانت صادرات ایران که در ژانویه ۲۰۲۲ به روزرسانی شده است آمار مبنا برای تعیین گروه ریسک کشور سوریه برای جمعیت ۱۷/۰۷۰ هزار نفر، تولید ناخالص داخلی برابر با ۶۵/۰۰۰ میلیون دلار، حجم بدهی خارجی برابر با ۴/۵۹۰ میلیون دلار، حجم تجارت با جهان معادل ۶/۴۳۲ میلیون دلار، حجم تجارت با ایران به مقدار ۱۹۰/۴ میلیون دلار و اعتبارات تحت پوشش ECA ها ۵ میلیون دلار لحاظ شده است. درآمد سرانه و ذخایر ارزی این کشور هم برای صندوق ضمانت صادرات نامعلوم است.

از میان سازمان های اعتبارسنجی بین المللی تنها رتبه ریسک کشوری OECD در مورد سوریه با گروه ریسک ۷ در دسترس بوده است و صندوق ضمانت صادرات ایران نیز سوریه را در گروه ۷ قرار داده است.

جدول شماره ۳: طبقه بندی سوریه در گروه ریسک ۷ توسط صندوق ضمانت صادرات

رتبه اعتباری دولت (S&P)	رتبه اعتباری دولت (Fitch)	گروه ریسک کشوری OECD	گروه ریسک کشوری از دیدگاه صندوق	اعتبارات تحت پوشش ECA ها (میلیون دلار)	تجارت با ایران (m\$)	تجارت با جهان (m\$)	بدهی خارجی (m\$)	درآمد سرانه (\$)	GDP (\$m)	جمعیت (هزار نفر)	نام کشور
-	-	۷	۷	۵	۱۹۰.۴	۶۴۳۲	۴۵۹۰	۸۸۰	۶۵۰۰۰	۱۷۰۷۰	سوریه

سقف پوشش کشور سوریه نیز مبتنی بر آمار عنوان شده ۵۰ میلیون یورو و سیاست پوشش آن محدود است. صندوق ضمانت صادرات برای پوشش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت سقف خاصی را تعیین نکرده و به ارائه سقف کلی پوشش اکتفا کرده است.

جدول شماره ۴: سقف پوشش ریسک سوریه در صندوق ضمانت صادرات

ردیف	نام کشور	گروه ریسک کشوری	سقف کوتاه مدت (€m)	سقف میان و بلند مدت (€m)	سقف کلی (€m)	سیاست پوشش
۱	سوریه	۷	..	..	۵۰	محدود

## ۷-۹. محدودیت‌های ناشی از نظام مدیریت شرکتی

صندوق ضمانت صادرات ایران با ماهیت شرکتی تأسیس شده است و هم‌اکنون نیز به‌عنوان یک شرکت به فعالیت خود ادامه می‌دهد. ماهیت شرکتی ایجاب می‌کند که نحوه عملکرد صندوق بر اساس صورت‌های مالی از جمله صورت سود و زیان و ترازنامه مورد ارزیابی قرار گیرد. از این رو طبیعی است که در حالت عادی صندوق برای انتخاب زمینه‌های فعالیت خود به بهینه‌یابی اقتصادی متوسل شود. نتیجه بهینه‌یابی اقتصادی خارج از این دو حالت نخواهد بود: یا فعالیت‌های صندوق به سمت بازارهای شناخته‌شده و کم‌ریسک معطوف خواهد شد و یا کارمزد ارائه خدمات به فعالین اقتصادی که بازارهای پرریسک را انتخاب می‌کنند بالاتر خواهد رفت. هر کدام از این دو حالت که اتفاق بیفتد صندوق ضمانت صادرات نمی‌تواند در توسعه بازارها به سمت کشورهایی که فناوری مالی پایین و ریسک بالاتری دارند کمک شایانی نماید. چنانچه حالت اول اتفاق بیافتد و فعالیت‌های صندوق در بازارهای کم‌ریسک و شناخته‌شده متمرکز شود آنگاه کشورهای منطقه دیگر اولویتی برای انجام فعالیت نخواهند داشت. به عبارت دیگر عرضه‌ی خدمات به این کشورها محدود خواهد شد. چنانچه حالت دوم اتفاق بیفتد نیز با افزایش کارمزدها، فعالین اقتصادی تمایلی به دریافت خدمات نخواهند داشت و تقاضای آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

## ۷-۱۰. جایگاه و توان صندوق ضمانت صادرات ایران در پوشش تکلیفی طرح‌های خاص

بر اساس اصول رایج موسسات بیمه اعتبار صادراتی، حداکثر تعهدات قابل پذیرش موسسات اعتبار صادراتی نظیر صندوق ضمانت صادرات ایران تابعی از سرمایه شرکت بوده و بر اساس ریسک پرتفوی از ۵ تا ۱۰ برابر سرمایه متغیر است، در حال حاضر با توجه به میزان کم سرمایه صندوق و حجم بالای ضمانت‌نامه‌های صادر شده و طرح‌های در دست بررسی امکان حمایت از صادرات کالا و خدمات به میزان قابل قبولی میسر نیست و علی‌رغم اهمیت و ضرورت حمایت از آن‌ها، عمدتاً خارج از ظرفیت صندوق می‌باشد. لازم بذکر است که فارغ از امکان یا نبود امکان پرداخت خسارت به پشتوانه دولت از سوی صندوق برای ریسک‌های تکلیفی، احتساب اینگونه خسارتهای احتمالی به حساب صندوق اصولاً توصیه نمی‌شود. زیرا این امر موجب تضعیف عملکرد صندوق و تخریب وجهه آن به‌عنوان تنها مؤسسه اعتبار صادراتی دولتی ایران در اتحادیه‌های تخصصی از قبیل اتحادیه برن، کلوپ پراگ و سایر مجامع بیمه‌ای بین‌المللی می‌گردد و صندوق را از مزایای استفاده از همکاری‌های بیمه‌ای مشترک و یا اتکایی با سایر مؤسسات اعتبار صادراتی و شرکت‌های بیمه محروم می‌سازد.

همانطور که پیشتر عنوان شد، از یک سو برخی معاملات با کشورهای هدف براساس اصول فنی و بیمه‌ای از نظر صندوق ضمانت صادرات در ردیف معاملات قابل پوشش قرار ندارند، از سوی دیگر برقراری ارتباطات و انجام معاملات / طرح‌های صادراتی مورد نظر به لحاظ منافع ملی الزامی می‌باشند، لذا می‌بایست نسبت به ایجاد حساب جداگانه‌ای مشابه «حساب منافع ملی» سایر کشورها اقدام نموده تا صندوق به نمایندگی از طرف دولت به اعتبار و پشتوانه آن حساب، اقدام به پوشش ریسک‌های تکلیفی نماید. با عنایت به مفاد بند ج ماده ۵ «قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران» مبنی بر مجاز بودن صندوق در پوشش سایر مواردی که به تشخیص هیأت وزیران در امر توسعه صادرات لازم یا مفید می‌باشد، موضوع ایجاد «حساب منافع ملی» در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجمع عمومی صندوق رسیده لیکن تاکنون عملیاتی نشده است.



## ۷-۱۱. محدودیت‌های نحوه تعیین سقف پوشش

اولین مسئله‌ای که نظام ارزیابی صندوق ضمانت صادرات برای تعیین سقف پوشش ایجاد کرده است، عدم انعطاف ساختاری برای استفاده از ظرفیت‌های مقطعی است. روش تعیین سقف پوشش صندوق متناسب با فعالیت‌های معمول اقتصادی و جریان‌های متعارف تجاری در بستر یکنواخت و روال عادی مسائل سیاسی و حاکمیتی است. لکن موارد متعددی وجود دارد که فرصت‌های اقتصادی به صورت مقطعی و محدود در یک بازه زمانی در بستر تحولات سیاسی و اقتصادی خارج از روال عادی و حتی بلایای طبیعی به وجود می‌آیند و چنانچه در زمان مناسب برای استفاده از آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام نشود از دست خواهند رفت. به‌عنوان مثال بازسازی کشورهای سوریه و عراق پس از فروکش کردن بحران داعش، بازسازی و توسعه کشور افغانستان پس از استقرار طالبان، صادرات انواع کالاهای مصرفی به قطر پس از تحریم شدن توسط شورای همکاری خلیج فارس، بازسازی بیروت پس از انفجار بندر این شهر و بازسازی مناطق سیل‌زده پاکستان از جمله مواردی است که فرصت‌های اقتصادی را خارج از رویه‌های متداول و به صورت مقطعی به وجود آورده است. اما نحوه عملکرد صندوق ضمانت صادرات به گونه‌ای نیست که بتواند فرصت‌های مقطعی و خارج از روال عادی را برای بهره‌برداری در تعیین سقف پوشش لحاظ کند.

به‌طور خاص با وضعیت فعلی نظام ارزیابی صندوق، امکان استفاده بخش غیردولتی از فرصت‌های اقتصادی به وجود آمده ناشی از تغییرات سیاسی منطقه فراهم نمی‌شود. به‌عنوان مثال، شروع دوران بازسازی سوریه، بستر صادرات خدمات فنی مهندسی، سرمایه‌گذاری عمرانی و افزایش تجارت با این کشور را مهیا کرده است. اما ریسک‌های سیاسی این کشور، مانع اصلی استفاده فعالین بخش غیردولتی ایران از بازار ۴۰۰ میلیارد دلاری بازسازی سوریه محسوب می‌شود. در صورت تأمین پوشش ریسک سیاسی سوریه، فعالین بخش غیردولتی ایران مایل به استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این کشور می‌شوند اما صندوق ضمانت صادرات، سوریه را در گروه پرریسک‌ترین کشورها قرار داده و سقف ارائه مجموع خدمات در رابطه با این کشور را ۵۰ میلیون یورو تعیین کرده که در

مقایسه با حجم سرمایه‌های موردنیاز ناچیز است. درجایی که حاکمیت ایران بخواهد از ظرفیت صندوق ضمانت صادرات برای ترغیب بخش غیردولتی به بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای منطقه یا سایر کشورهای پرریسک استفاده کند لازم است مطابق با گام سوم مراحل تعیین سقف پوشش کشورها به صورت دستوری اقدام به تعیین نرخ و سقف پوشش کند. تعیین دستوری نرخ و سقف پوشش به علت ناهمگونی با ساختار پوشش ریسک و ماهیت شرکتی برای صندوق چندان مطلوب نیست. در گذشته نیز صندوق سهم قابل توجهی از مطالبات معوق خود را به خدمات ارائه شده به صورت دستوری نسبت داده است. تا زمانی که موقعیت‌های مقطعی اقتصادی و ملاحظات و ضرورت‌های سیاسی در مراودات بین‌المللی در ساختار صندوق نشود و این موارد به صورت دستوری به صندوق تحمیل شود مشکلات مذکور پابرجا خواهند بود.

# ۱- پوشش ریسک سیاسی در آمریکا

بررسی سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در طول زمان نشان می‌دهد که حفظ و گسترش هژمونی اقتصادی آمریکا در دنیا همواره از مهم‌ترین اهداف فعالیت‌های برون‌مرزی این کشور بوده است. منافع اقتصادی آمریکا نظیر توسعه بازار محصولات و ادغام کشورها در زنجیره عرضه جهانی شرکت‌های آمریکایی، ایجاد زمینه‌های سرمایه‌گذاری فرامرزی و جذاب کردن کشورها برای سرمایه‌گذاران آمریکایی، تأمین مواد اولیه صنایع و تضمین عرضه پایدار آن‌ها از جمله مواردی است که در فعالیت‌های برون‌مرزی این کشور دنبال می‌شود.

حضور اقتصادی آمریکا در سایر کشورها تنها منافع اقتصادی این کشور را دنبال نمی‌کند. منافع غیراقتصادی آمریکا نظیر توسعه هژمونی سیاسی و امنیتی، ارتقای امنیت ملی آمریکا، توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی و اثرگذاری در مناسبات حاکمیتی کشورها نیز از جمله مواردی است که در مناسبات اقتصادی بین‌المللی آمریکا دنبال می‌شوند.

تفکر حاکم بر ساختارهای اقتصادی آمریکا بخش خصوصی را بسیار پراهمیت قلمداد می‌کند. آزادسازی اقتصادی در این کشور در نهایت خود صورت گرفته است و لذا بخش عمده صنایع و تولیدات این کشور در اختیار بخش خصوصی قرار دارد. از همین رو مخاطب عمده منافع اقتصادی ذکرشده بخش خصوصی این کشور است. منافع اقتصادی بخش خصوصی آمریکا، به صورت غیرمستقیم منافع بخش دولتی را نیز در پی دارد. مالیاتی که از بخش خصوصی اخذ می‌شود سهم بسزایی در تأمین بودجه آمریکا دارد و از همین رو، حمایت از توسعه کسب‌وکار مالیات‌دهندگان آمریکایی از جمله وظایفی است که برای بسیاری از نهادهای اقتصادی دولتی آمریکا تعریف شده است.

پیش‌ازاین در رابطه با لزوم پوشش ریسک سیاسی برای جلب مشارکت بخش خصوصی و غیردولتی و ترغیب آن‌ها برای سرمایه‌گذاری خارجی بحث به میان آمد. کشور آمریکا به‌عنوان یکی از سردمداران توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های مالی در دنیا شناخته می‌شود و نهادهای اقتصادی این کشور معمولاً در سطح بالایی از کارآمدی قرار دارند. نهادهای پوشش‌دهنده ریسک سیاسی در این کشور نیز در نوع خود از جایگاه بالایی در میان آژانس‌های اعتبار صادراتی برخوردار هستند.

در آمریکا بانک صادرات و واردات (EX-IM Bank) و شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) وظیفه پوشش ریسک سیاسی را عهده‌دار هستند. از آنجایی که این نهادها تقویت حضور اقتصادی جهت تأمین منافع غیراقتصادی را نیز دنبال می‌کنند، پروژه‌هایی را در اولویت قرار می‌دهند که در راستای اهداف سیاست خارجه آمریکا نیز باشند. در آمریکا با دو نوع بیمه‌نامه ریسک سیاسی پوشش داده می‌شود:

#### **الف. بیمه اعتبار صادراتی:**

بیمه اعتبار صادراتی توسط بانک صادرات و واردات (EX-IM Bank) ارائه می‌شود. هدف این بیمه پوشش ریسک‌های سیاسی با تمرکز بر کسب‌وکارهای خرد و حمایت از تجارت‌های خرد و نوپا است. این بیمه جهت تسهیل تجارت خارجی و صادرات محصولات آمریکایی ارائه می‌شود.

#### **ب. بیمه ریسک سیاسی:**

بیمه ریسک سیاسی توسط شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) ارائه می‌شود. هدف این بیمه پوشش ریسک‌های سیاسی با تمرکز بر کسب‌وکارهای کلان و حمایت از انجام پروژه‌های برون‌مرزی و تجارت‌های کلان است. از جمله مواردی که در صدور بیمه ریسک سیاسی در نظر گرفته می‌شود این است که باید اثبات شود پروژه‌ای که بیمه می‌شود در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی آمریکا قرار دارد.

## ۹- بانک صادرات و واردات آمریکا<sup>۱</sup>

بانک صادرات و واردات آمریکا (EX-IM) یک بانک دولتی و آژانس رسمی اعتبار صادرات ایالات متحده آمریکا است. این بانک در سال ۱۹۳۴ توسط دولت آمریکا تأسیس شد. EX-IM این مأموریت را به عهده دارد که از طریق تسهیل صادرات کالاها و خدمات شرکت‌های آمریکایی از مشاغل و کسب‌وکارهای این کشور پشتیبانی کند. از آنجا که EX-IM کاملاً با اعتبار دولتی ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می‌شود، آن دسته از تسهیلات و پوشش ریسک‌هایی را فراهم می‌آورد که بخش خصوصی قادر به پذیرش آن نیست یا تمایلی به پرداختن به آن‌ها ندارد.

هنگامی که شرکت‌های تأمین مالی بخش خصوصی قادر به تأمین مالی نیستند یا تمایلی به انجام آن ندارند EX-IM خلأ موجود برای مشاغل آمریکایی را با تجهیز آن‌ها به ابزارهای تأمین مالی لازم برای رقابت در فروش جهانی پر می‌کند. با این کار، EX-IM بازارهای هدف صادرات کالاها و خدمات ایالات متحده آمریکا را افزایش می‌دهد. همچنین توان رقابت آن‌ها را در برابر رقبای خارجی در بازارهای بین‌المللی بهبود می‌بخشد. از این طریق این امکان برای شرکت‌های آمریکایی فراهم می‌شود که بتوانند کسب‌وکارهای پردرآمدی را ایجاد و به افزایش سطح اشتغال در آمریکا کمک کنند.

### ۹-۱. خدمات EX-IM

EX-IM برای پیشبرد مأموریت خود ۲ دسته خدمات ارائه می‌کند. خدمات مربوط به

1. EX-IM Bank

تأمین مالی صادرات و خدمات مربوط به پوشش ریسک سیاسی.

## الف) خدمات تأمین مالی صادرات

### ۱. ضمانت‌نامه تأمین مالی اجاره<sup>۱</sup>

ضمانت‌نامه تأمین مالی اجاره یا لیزینگ برای حمایت از آن دسته از صادرکنندگان آمریکایی است که قصد دارند محصولات خود را به صورت لیزینگ به فروش برسانند صادر می‌شود. این نوع ضمانت‌نامه در وجه خریدار خارجی و به نفع صادرکننده آمریکایی صادر می‌شود. این ضمانت‌نامه به صورت میان‌مدت و با پوشش ۸۵٪ به مبادلات حداکثر ۱۰ میلیون دلاری اختصاص می‌یابد.

### ۲. وام مستقیم<sup>۲</sup>

وام‌های مستقیم EX-IM به آن دسته از خریداران معتبر خارجی اعطا می‌شود که مایل به خرید محصولات آمریکایی هستند. مدت‌زمان ارائه این تسهیلات به طور کلی ۱۲ سال و برای پروژه‌های مربوط به انرژی‌های تجدید پذیر ۱۸ سال است. این تسهیلات برای تأمین هزینه‌های محلی نیز تا سقف ۳۰٪ قابل ارائه است. وام مستقیم محدودیتی در رابطه با حجم معامله ندارد و ۸۵٪ آن را تأمین می‌کند و کلیه ریسک‌های تجاری و سیاسی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

### ۳. سرمایه در گردش<sup>۳</sup>

ضمانت وام سرمایه در گردش صادرکنندگان را قادر می‌سازد تا جریان نقدی موردنیاز خود برای انجام سفارش‌های فروش و تجارت جدید در خارج از کشور را فراهم کنند. با پشتیبانی EX-IM، صادرکنندگان می‌توانند با همان ضمانت، وام بیشتری بگیرند، توانایی انجام پروژه و صورت حساب پیشنهادی خود برای دریافت پروژه‌ها را تضمین کنند و جایگاه بهتری در رقابت جهانی پیدا کنند. EX-IM با بانک طرف حساب صادرکننده برای پرداخت وام رقابت نمی‌کند بلکه بازپرداخت وام اعطاشده به صادرکننده را تا ۹۰٪ ضمانت می‌کند تا انگیزه کافی برای اعطای وام در بانک‌ها ایجاد شود.

1. Finance Lease Guarantee

2. Direct Loan

3. Working Capital

#### ۴. تأمین مالی پروژه و هزینه‌های ساختاری<sup>۱</sup>

ارائه منابع محدود به پروژه‌ها (تأمین مالی پروژه) و تأمین مالی هزینه‌های ساختاری از جمله تسهیلاتی است که EX-IM برای کمک به صادرکنندگان آمریکایی ارائه می‌کند. EX-IM از این طریق حداکثر انعطاف‌پذیری را برای اسپانسرهای مالی پروژه‌ها فراهم و به صادرکنندگان ایالات متحده برای رقابت جهانی در بخش‌های منابع طبیعی و زیرساختی کمک می‌کند. EX-IM می‌تواند این خدمات را به صادرکنندگان آمریکایی در اکثر کشورها بدون محدودیت مالی یا پروژه‌ای ارائه کند.

این تسهیلات باهدف به حداکثر رساندن مشارکت شرکت‌های آمریکایی در بازارهای جهانی به منظور پشتیبانی از مشاغل آمریکایی و همچنین اعطای مسئولانه وام به پروژه‌های ذی‌صلاح جهت صیانت از منافع سهام‌داران و مالیات‌دهندگان آمریکایی ارائه می‌شود.

#### ب) خدمات بیمه پوشش ریسک سیاسی

##### ۱. بیمه اعتبار صادراتی<sup>۲</sup>

بیمه اعتبار صادراتی، بیمه‌نامه‌ای است که حساب‌های کسب‌وکارها را در برابر ریسک‌های تجاری و سیاسی محافظت و آن‌ها را برای فعالین اقتصادی قابل وصول می‌کند. صدور این بیمه از اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع شد. مطابق با این بیمه‌نامه حتی اگر مشتری مطالبات صادرکننده را پرداخت نکند EX-IM متعهد به پرداخت آن‌ها است. بیمه اعتبار صادراتی با محافظت از کسب‌وکارها در برابر ریسک‌های متعدد، اعتماد به نفس لازم برای ورود به بازارهای جدید، جذب مشتریان جدید و گسترش فروش به بازارهای موجود را به فعالان اقتصادی آمریکایی می‌دهد.

امنیت به وجود آمده در اثر استفاده از بیمه اعتبار صادراتی این امکان را به سرمایه‌گذاران و تجار آمریکایی می‌دهد تا رقابت‌پذیری جهانی خود را برای بازاریابی و فروش افزایش دهند. علاوه بر آن حمایت‌های EX-IM این امکان را به صادرکنندگان می‌بخشد تا با وام گرفتن در ازای بخش بیمه‌شده‌ی مطالبات خود، از موانع مربوط به جریان‌های نقدی عبور کنند.

1. Project & Structured Finance

2. Export Credit Insurance

بیمه اعتبار صادراتی ریسک‌های تجاری و سیاسی که صادرکنندگان مایل نیستند یا نمی‌توانند آن‌ها را به عهده بگیرند پوشش می‌دهد. ریسک‌های تجاری تحت پوشش شامل اعسار خریدار، ورشکستگی و نکول، همچنین ریسک‌های سیاسی شامل جنگ، انقلاب، آشوب اجتماعی، ریسک‌های مرتبط با انتقال پول (غیرقابل تبدیل بودن ارز) و لغو مجوز صادرات یا واردات می‌شود.

### ۱-۱) انواع بیمه اعتبار صادراتی

بیمه اعتبار صادراتی بر اساس نوع دریافت‌کننده و خریدار به سه دسته تقسیم می‌شود.

- **بیمه اکسپرس<sup>۱</sup>**: این بیمه‌نامه به کسب‌وکارهای خرد و نوپایی تعلق می‌گیرد که کمتر از ۵ سال سابقه فعالیت داشته باشند. این بیمه‌نامه به صورت غیر کاهشی<sup>۲</sup>، با پرداخت حق بیمه متناسب با هزینه‌های بیمه<sup>۳</sup>، دارای فرم اجرایی کوتاه<sup>۴</sup> و با پوشش ۹۵٪ ارائه می‌شود.
- **بیمه چند خریدار**: صادرکننده می‌تواند با استفاده از این بیمه‌نامه تمام سبد صادراتی خود یا بخشی از آن را بیمه کند. این بیمه‌نامه به صورت غیر کاهشی، با پرداخت حق بیمه متناسب با هزینه‌های بیمه و با پوشش ۹۵٪ ارائه می‌شود. در این بیمه‌نامه صادرکننده می‌تواند با انتخاب بخش کم ریسکی از مبادلات خود و بیمه کردن آن، هزینه و کارمزد بیمه را کاهش دهد.
- **بیمه تک خریدار**: صادرکننده با استفاده از این بیمه‌نامه می‌تواند تمام صادرات خود به یک خریدار به خصوص را در یک دوره زمانی مشخص و با در نظر گرفتن یک سقف اعتباری بیمه کند. این بیمه‌نامه به صورت غیر کاهشی و پوشش ۹۰٪ ارائه می‌شود. در این بیمه‌نامه برای هر خریدار خارجی یک سیاست به خصوص بر اساس ویژگی‌های آن اتخاذ می‌شود و هر سیاست می‌تواند تمام تراکنش‌های مربوط به آن خریدار به خصوص را پوشش دهد.

1. Express Insurance
2. No Deductible
3. Pay-as-you-go premiums
4. Two-page application



# ۱۰- شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC)<sup>۱</sup>

شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) یک بانک توسعه‌ای دولتی محسوب می‌شود که تلاش می‌کند با جلب مشارکت بخش خصوصی جایگاه آمریکا را در توسعه هدفمند سایر کشورهای جهان تثبیت کند. در ۵ اکتبر ۲۰۱۸ با تصویب قانون بهره‌برداری بهتر از سرمایه‌گذاری‌های منجر به توسعه (BUILD)<sup>۲</sup> زمینه‌ی تأسیس DFC فراهم شد. هدف از تصویب این قانون افزایش بهره‌وری در سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای فرامرزی آمریکا با بازنگری در مأموریت‌ها، ساختارها و سازمان‌های متولی امر بوده است. در این قانون باهدف انعطاف‌پذیرتر کردن امکانات آمریکا برای حمایت از سرمایه‌گذاری در کشورهای درحال توسعه، مأموریت‌ها و وظایف آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) و شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی فرامرزی (OPIC) مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت در سال ۲۰۱۹ DFC برای ساماندهی مجدد آن‌ها تأسیس شد.

حجم سرمایه اولیه DFC معادل ۶۰ میلیارد دلار و منبع مالی این شرکت بودجه سالانه آمریکا است. حوزه‌های اصلی فعالیت DFC مربوط به بخش‌های انرژی، زیرساخت‌های حساس، مراقبت‌های بهداشتی و حوزه‌های فناوری است. تأمین مالی مشاغل کوچک و حمایت از بانوان کارآفرین نیز در حاشیه فعالیت‌های اصلی از دغدغه‌های این شرکت عنوان شده است.

1. U.S. International Development Finance Corporation

2. the Better Utilization of Investments Leading to Development (BUILD) Act

## ۱-۱۰. اهداف و اهمیت شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC)

شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا اهداف کلان خود را بر سه محور ترسیم کرده است:

۱. پیشبرد سیاست خارجه ایالات متحده
۲. حمایت از کسب‌وکارهای آمریکایی
۳. افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی آمریکا



تبدیل آمریکا به رهبری قوی‌تر در جهان و تثبیت موقعیت آن در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از طریق تأمین مالی پروژه‌های ناظر بر برون‌رفت از چالش‌های جهان در حال توسعه دیگر هدفی است که DFC درصدد تحقق آن گام برمی‌دارد. DFC از آن جهت برای آمریکا اهمیت دارد که به‌عنوان یک پیشران به‌سوی اهداف سیاست خارجی این کشور عمل می‌کند و همچنین رقابت‌پذیری تجاری آمریکا را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های DFC علاوه بر اینکه به کسب‌وکارهای آمریکایی کمک می‌کند تا به‌سرعت بازارهای دنیا را از آن خود نمایند به‌عنوان نیروهای تثبیت‌کننده حضور آمریکا در کشورهای در حال توسعه، از جمله فقیرترین کشورها و مناطق تحت تأثیر درگیری و تنش‌های نظامی-امنیتی در سراسر جهان عمل می‌کند.

## ۱۰-۲. ضوابط و سیاست‌های حمایتی DFC

شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا برای ارائه حمایت‌های خود مجموعه‌ای از ضوابط و سیاست‌های حمایتی را در نظر می‌گیرد و اولویت‌بندی‌های حمایتی و اعطای تسهیلات خود را بر اساس آن‌ها انجام می‌دهد. اولین سیاست DFC هدف‌گذاری بر روی کشورهای کم‌درآمد و تلاش برای هدایت تسهیلات در راستای افزایش حضور اقتصادی آمریکا در آن کشورها است. شرکت‌های آمریکایی نسبت به سایر شرکت‌ها اولویت بالاتری در دریافت خدمات از DFC دارند. DFC خود را ملزم به رعایت قواعد بازار آزاد می‌داند و تلاش می‌کند تا رقیبی برای شرکت‌های تأمین مالی و شرکت‌های بیمه آمریکایی نباشد. پایبندی به قواعد تجارت بین‌المللی، تلاش برای توانمندسازی اقتصادی زنان، پایبندی به اصول حمایت از حقوق بشر، قواعد ضد تروریسم، حقوق کارگر، محیط‌زیست، تحریم‌های بین‌المللی و ... از دیگر سیاست‌هایی است که DFC ادعا می‌کند در برنامه‌های حمایتی خود مدنظر قرار می‌دهد.

## ۱۰-۳. خدمات شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC)

انواع خدمات شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا را می‌توان در سه گروه خدمات تأمین مالی، خدمات فنی و خدمات پوشش ریسک سیاسی طبقه‌بندی کرد.

### الف) خدمات تأمین مالی

#### ۱. تأمین مالی مبتنی بر بدهی<sup>۱</sup>

تسهیلاتی که در تأمین مالی مبتنی بر بدهی ارائه می‌شود ضمانت‌نامه و وام مستقیم تا سقف یک میلیارد دلار و در بازه زمانی حداکثر ۲۵ ساله است. این تسهیلات به شرکت‌های متوسط و کوچک آمریکایی ارائه می‌شود که برنامه‌های خاصی که با اهداف DFC تطابق داشته باشد را دستور کار خود داشته باشند.

#### ۲. سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و پروژه‌ها

سرمایه‌گذاری مستقیم DFC در سهام شرکت‌ها باهدف حمایت از شرکت‌هایی که در

1. Debt Financing

فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه نقش آفرینی می‌کنند و یا در راستای تحقق اهداف سیاست خارجه آمریکا گام برمی‌دارند انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های نوپا و در حال رشد علی‌الخصوص در کشورهای کم‌درآمد این امکان را به آن‌ها می‌دهد که بتوانند منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین و در فرایند توسعه نقش آفرینی کنند.

### ۳. **تجمیع سرمایه‌گذاری‌های خرد (صندوق سرمایه‌گذاری)**

این خدمت DFC کمک می‌کند تا سرمایه‌های خرد و دارایی‌های بخش خصوصی برای جبران کمبود سرمایه مورد نیاز برای حرکت در مسیر توسعه بلندمدت و تأمین نیازمندی‌های آن تجمیع شوند. دستیابی به سرمایه مورد نیاز برای رشد بلندمدت، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های مالی از عوامل اصلی توسعه هستند. توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید برای مردم در کشورهای کم‌درآمد و در حال توسعه درگرو این عوامل قلمداد می‌شوند و DFC تلاش می‌کند تا با ارائه این خدمت، عوامل مذکور را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهد.

### **ب) خدمات فنی (مطالعات امکان‌سنجی و حمایت فنی)**

مطالعات امکان‌سنجی و حمایت فنی به منظور شناسایی و آماده‌سازی پروژه برای جذب و حمایت بهتر از سرمایه‌گذاری خصوصی جهت تسریع فرایند توسعه انجام می‌شود. کمک‌های مالی برای مطالعات امکان‌سنجی و حمایت‌های فنی برای افزایش نمود توسعه یا بهبود پایداری تجاری به پروژه‌هایی اعطا می‌شود که از سرمایه‌گذاری یا پشتیبانی بیمه‌ای DFC استفاده می‌کنند. این خدمات مکمل خدمات سایر مؤسساتی است که در این زمینه فعالیت می‌کنند و خدمات آن‌ها را عیناً انجام نمی‌دهد.

### **ج) خدمات پوشش ریسک سیاسی**

#### **۱. بیمه ریسک سیاسی**

متقاضیان بیمه ریسک سیاسی آن دسته از تجار و فعالین اقتصادی هستند که قصد انجام فعالیت اقتصادی یا سرمایه‌گذاری در کشورهایی را دارند که از منظر شاخص‌های ریسک سیاسی در وضعیت مساعدی قرار ندارند. هدف از ارائه بیمه ریسک سیاسی رفع موانع موجود در مسیر حضور بخش خصوصی در بازارها و فرآیندهای بازسازی و توسعه

کشورهای کم‌درآمد و درحال توسعه است. سقف پوشش بیمه ریسک سیاسی ۱ میلیارد دلار برای هر پروژه است. انواع ریسک‌های تحت پوشش بیمه ریسک سیاسی عبارت‌اند از:

- **غیرقابل تبدیل بودن ارز:** شامل وضع مقررات جدید و محدودتر ارزی، عدم تأیید درخواست استفاده از یک ارز قوی و اقدامات تبعیض‌آمیز و دستور غیرقانونی برای انسداد و استرداد وجوه در کشور هدف است. ریسک کاهش ارزش پول ملی کشور هدف تحت پوشش بیمه ریسک سیاسی قرار نمی‌گیرد.
- **مصادره:** ملی سازی، مصادره، سلب مالکیت تدریجی، وضع مالیات‌های مصادره‌ای و لغو، انکار یا خدشه‌دار کردن یک قرارداد به‌ویژه با تغییر اجباری شرایط مندرج در آن را شامل می‌شود.
- **خشونت و ناآرامی سیاسی:** جنگ، انقلاب، تغییر ساختار سیاسی، شورش، خیزش‌های اجتماعی، تروریسم و خرابکاری از مصادیق خشونت و ناآرامی سیاسی هستند.

بیمه ریسک سیاسی می‌تواند هم برای دارایی‌ها، هم برای درآمدها و هم برای هر دو مورد بنا به درخواست بیمه شونده ارائه شود. علاوه بر آن هزینه‌های تخلیه تجهیزات و نفرت، زیان درآمدی ناشی از تعلیق پروژه و زیان درآمدی ناشی از تأثیرات آسیب دیدن سایت‌ها و تأسیسات خارج از محدوده پروژه (مانند شبکه تأمین برق، راه‌آهن مورد استفاده در ترانزیت تجهیزات پروژه و ...) بر پیشرفت و عملکرد پروژه نیز می‌توانند پوشش داده شوند.

#### ۴-۱۰. شرایط عمومی اعطای تسهیلات شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا

DFC برای ارائه تسهیلات و خدمات خود مجموعه‌ای از ضوابط عمومی را در نظر می‌گیرد. اولین ضابطه در رابطه با مالکیت پروژه است که مطابق با خواسته DFC سهم بخش غیردولتی در مالکیت پروژه باید بیش از ۵۰٪ باشد. به عبارت دیگر در مشارکت‌های عمومی خصوصی (PPP) سهم بخش دولتی باید کمتر از ۵۰٪ باشد. شرط دوم در انتخاب پروژه‌ها

برای اعطای تسهیلات این است که پروژه‌ی متقاضی باید ربط و نسبت مستقیمی با الزامات توسعه و پیشرفت بازار محصولات آمریکایی داشته باشد و در راستای آن تعریف شود. DFC سودای رقابت با بخش خصوصی در ارائه خدمات مالی ندارد. به همین منظور متقاضیان دریافت خدمات مالی از این شرکت باید ادله‌ای مبنی بر عدم امکان استفاده از خدمات و تسهیلات مالی که توسط بخش خصوصی ارائه می‌شوند ارائه کنند. شرط دیگر دریافت خدمات از DFC این است که کارفرمای پروژه باید مالک بخشی از سهام پروژه باشد. تنها پروژه‌هایی می‌توانند متقاضی دریافت تسهیلات باشند که کارفرمای پروژه بنا به نوع آن مالک ۲۰٪ تا ۲۵٪ سهام پروژه باشد.

شرکت‌های متقاضی دریافت خدمات DFC باید سابقه‌ی موفق‌ی در پیشبرد پروژه‌های مشابه داشته باشند چراکه ارائه سابقه فعالیت موفق از شروط دریافت تسهیلات DFC است. گذشته از موارد مطرح شده این‌طور ادعا شده است که سایر استانداردها و دغدغه‌هایی که در معرفی DFC به آن‌ها اشاره شد نظیر رعایت استانداردهای حقوق کارگری، تحریم‌های آمریکا، محیط‌زیست و ... نیز در اولویت‌بندی پروژه‌ها در DFC مؤثر هستند.

به صورت کلی می‌توان شرایط دریافت تسهیلات DFC را بدین صورت جمع‌بندی کرد:

- مالکیت دولتی کمتر از ۵۰٪ پروژه
- کمک به توسعه و پیشرفت بازار برای اقتصاد آمریکا
- عدم زمینه‌سازی برای رقابت DFC با ارائه‌دهندگان خدمات مالی در بخش خصوصی
- تملیک حداقل ۲۵٪-۲۰ درصد سهام پروژه توسط کارفرما
- داشتن سابقه فعالیت موفق

#### ۱۰-۴-۱. مقایسه DFC و EX-IM Bank

در آمریکا بانک صادرات و واردات (EX-IM Bank) و شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) وظیفه پوشش ریسک سیاسی را عهده‌دار هستند. بانک صادرات و واردات آمریکا آژانس اعتبار صادراتی این کشور محسوب می‌شود و توسعه

صادرات این کشور را دنبال می‌کند. فعالیت EX-IM Bank مشابه سایر آژانس‌های اعتبار صادراتی مبتنی بر اطلاعات و ارزیابی‌ها از وضعیت اقتصادی و عوامل سیاسی مؤثر بر آن انجام می‌شود.

اما DFC نهادی است که تقویت حضور اقتصادی جهت تأمین منافع راهبردی آمریکا را دنبال می‌کند. از این رو پروژه‌هایی را در اولویت قرار می‌دهد که در راستای اهداف سیاست خارجه آمریکا نیز باشند. بررسی‌ها نشان می‌دهد منافع راهبردی آمریکا نظیر توسعه هژمونی سیاسی و امنیتی، ارتقای امنیت ملی آمریکا، توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی و اثرگذاری در مناسبات حاکمیتی کشورها نیز از جمله مواردی است که در مناسبات اقتصادی بین‌المللی آمریکا دنبال می‌شوند. DFC همپوشانی پروژه‌های اقتصادی با این قبیل منافع راهبردی را مبنای اولویت‌بندی تخصیص منابع خود قرار داده است و این‌طور نیست که تنها به دنبال منافع اقتصادی باشد.

EX-IM Bank فعالیت‌های خود را با تمرکز بر کسب‌وکارهای خرد و در راستای حمایت از تجارت‌های خرد و نوپا تعریف کرده و منابع خود را جهت تسهیل تجارت خارجی و صادرات محصولات آمریکایی به کار گرفته است. اما شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای آمریکا (DFC) فعالیت‌های خود را با تمرکز بر کسب‌وکارهای کلان و در حمایت از انجام پروژه‌های برون‌مرزی و تجارت‌های کلان تعریف کرده است و همان‌طور که اشاره شد هم‌راستا بودن پروژه‌ها با اهداف سیاست خارجی آمریکا رکن محوری فعالیت این شرکت است.

## ۱۰-۵. نمونه‌هایی از پروژه‌های انجام‌شده توسط DFC

DFC برای رسیدن به مقاصد خود پروژه‌های متعددی را در سراسر جهان اجرا کرده است یا در دست اقدام دارد. پروژه‌های DFC به جغرافیای خاصی محدود نمی‌شوند و این شرکت در هر نقطه‌ای از کره زمین که منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا ایجاب کند حضور می‌یابد. پروژه‌های پیشبرد استقلال انرژی و استقلال صنعت هسته‌ای در اوکراین، توسعه منابع نفت و گاز عمان، نوسازی زیرساخت‌های آب و برق در عراق و امنیت

انرژی مصر از مهم‌ترین پروژه‌هایی هستند که مشارکت DFC در آن‌ها علاوه بر منافع اقتصادی، منافع سیاسی آمریکا را تأمین و راهبردهای این کشور در روابط بین‌الملل را نیز عملیاتی می‌کند. تمامی این پروژه‌ها با استفاده از خدمات حمایتی DFC برای پوشش ریسک سیاسی از طریق صدور بیمه ریسک سیاسی انجام شده‌اند.

## ۱۰-۵-۱. پروژه پیشبرد استقلال انرژی در اوکراین

پروژه پیشبرد استقلال انرژی اوکراین گسترش تجارت و ایجاد تنوع در مبادی و مسیرهای واردات گاز اوکراین را دنبال می‌کند. آنچه به‌عنوان اهداف این پروژه عنوان شده‌اند عبارت است از تأمین امنیت انرژی اوکراین از طریق تغییر مسیر وابستگی انرژی این کشور از روسیه به اروپا. بیمه‌پذیران این پروژه شرکت منابع انرژی اوکراین، شرکت خدمات مدیریت منابع انرژی اوکراین و شرکت تجارت منابع انرژی اوکراین هستند. سقف پوشش بیمه ریسک سیاسی در نظر گرفته‌شده برای این پروژه ۶۲ میلیون دلار است. روسیه به‌عنوان یکی از رقبای آمریکا در عرصه قدرت بین‌المللی و مناقشات این کشور از چالش‌های اصلی سیاست‌های خارجی آمریکا شناخته می‌شود. روسیه جایگاه اول را از نظر حجم ذخایر در میان کشورهای برخوردار از منابع گاز طبیعی دارد و درآمد قابل توجهی را از طریق صادرات گاز از آن خود می‌کند. علاوه بر آن باید به این نکته توجه داشت که اهمیت و ماهیت انرژی به‌عنوان یک کالای استراتژیک و در بسیاری از موارد به‌عنوان یک کالای سیاسی باعث شده است تا تجارت و بازار انرژی به‌عنوان ابزاری در روابط دیپلماتیک و دیپلماسی بین‌المللی کشورها به کار گرفته شود. اوکراین عمده گاز موردنیاز خود را از روسیه وارد می‌کند. از طرفی مناقشات میان اوکراین و روسیه در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است و این افزایش مناقشات می‌تواند از عوامل کاهش امنیت انرژی اوکراین قلمداد شود. پروژه متنوع سازی مبادی تأمین گاز و افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی اوکراین به‌عنوان گامی مهم در تأمین امنیت انرژی این کشور برشمرده می‌شود. این پروژه موجب کاهش قدرت اعمال فشار روسیه با استفاده از ابزار انرژی می‌شود.



علاوه بر آن درآمد روسیه از محل فروش گاز به اوکراین نیز کاهش پیدا خواهد کرد. اثر دیگر انجام این پروژه توسعه مناسبات و افزایش ضریب نفوذ اروپا و آمریکا در اوکراین در مقابل کاهش اعمال قدرت روسیه به عنوان یک رقیب سیاسی است.

### ۱۰-۵-۲. پروژه پیشبرد استقلال صنعت هسته‌ای در اوکراین

محدودیت‌های تأسیساتی و فنی اوکراین در ذخیره‌سازی پسماندهای هسته‌ای باعث شده است تا مجبور باشد برای ذخیره‌سازی آن‌ها را به روسیه منتقل کند. وابستگی صنعت هسته‌ای اوکراین به تأسیسات ذخیره‌سازی پسماند روسیه، دیگر عاملی است که می‌تواند در مناسبات و مناقشات میان این دو کشور به عنوان ابزار فشاری در دست روسیه باشد.

استقلال صنعت هسته‌ای اوکراین از روسیه از طریق ایجاد تأسیسات مستقل برای ذخیره‌سازی پسماندهای هسته‌ای هدف عنوان شده برای این طرح است. ساخت تأسیسات ذخیره‌سازی سوخت هسته‌ای مصرف شده انرژی‌اتوم سنترال<sup>۱</sup> پروژه تعریف شده برای رسیدن به این هدف است. این تأسیسات ظرفیت ذخیره‌سازی ۱۶۹۰۰۰ تن پسماند هسته‌ای را در منطقه ممنوعه چرنوبیل برای اوکراین فراهم می‌کند.

زمان در نظر گرفته شده برای انجام این پروژه ۵ سال و سقف پوشش بیمه ریسک سیاسی که DFC برای آن در نظر گرفته است ۲۵۰ میلیون دلار است. عامل و بیمه پذیر این پروژه شرکت هولتک اینترنشنال<sup>۲</sup> از کامدن<sup>۳</sup> است.

علاوه بر افزایش استقلال اوکراین در صنعت هسته‌ای، کاهش قدرت اعمال فشار روسیه بر این کشور، کسب منفعت مجری آمریکایی، کاهش درآمد روسیه از محل انتقال و ذخیره‌سازی پسماندهای هسته‌ای اوکراین، تثبیت رهبری بازار تجهیزات مربوط به صنایع هسته‌ای توسط آمریکا در مقابل چین و روسیه از جمله منافع آن برای ایالات متحده است.

1. Energoatom Central

2. Holtec International

3. شهری است واقع شده در ایالت نیوجرسی آمریکا. Camden.

## ۱۰-۵-۳. پروژه توسعه منابع نفت و گاز عمان

موسندام استان جدا افتاده‌ای از کشور عمان است. این منطقه توسط امارات متحده عربی و در محدوده مرزهای این کشور احاطه شده است. هرچند موسندام از منابع نفت و گاز برخوردار است اما این منابع به‌طور مؤثری مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. موسندام از نظر اقتصادی نتوانسته است توسعه مناسبی داشته باشد. عمان تمایل دارد برای رشد اقتصادی این منطقه سرمایه‌گذار خارجی جذب کند تا هم صنایع را رشد دهد و هم ظرفیت گردشگری را در این منطقه فعال کند.

پروژه تعریف شده، توسعه منابع نفت و گاز منطقه موسندام و احداث خط لوله ۳ کیلومتری به یک کارخانه محلی است. اهدافی مانند افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت عمان و افزایش تولید گاز عمان برای استفاده داخلی و افزایش توان صادراتی برای این پروژه عنوان شده است. سقف پوشش بیمه ریسک سیاسی برای این پروژه ۳۰۰ میلیون دلار و بیمه پذیر آن شرکت پتروتل<sup>۱</sup> از ایالت تگزاس است.

DFC علت پوشش ریسک سیاسی پروژه را اهمیت بالای کشور عمان و منطقه موسندام برای امنیت ملی آمریکا عنوان کرده است. اهمیت کشور عمان و استان موسندام برای امنیت ملی آمریکا در گزارش بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)<sup>۲</sup> با عنوان «عمان در میانه<sup>۳</sup>» کاملاً مشهود است. این گزارش به سیاستمداران آمریکایی هشدار می‌دهد که باید نسبت هرگونه رابطه سیاسی و اقتصادی عمان و ایران هوشیار باشند و مانع توسعه روابط این دو کشور به علت موقعیت ژئوپلیتیک عمان در منطقه شوند.

مطابق با اطلاعات درج شده در گزارش مذکور تولید گاز عمان در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ دو برابر شده است اما مصرف داخلی نیز ۱۸۰٪ افزایش پیدا کرده است. همین مسئله موجب محدود شدن صادرات گاز این کشور شده است. از سال ۲۰۱۲ نیز تولید گاز این کشور کاهش پیدا کرده است. همین مسئله باعث شده است تا عمان برای تأمین گاز مورد نیاز خود

1. PetroTel

2. Foundation for Defense of Democracies

3. Jonathan Schanzer & Nicole Salter, "Oman in the Middle, Muscat's Balancing Act Between Iran and America", Foundation for Defense of Democracies, May 2019.

جهت استفاده از تمام ظرفیت تأسیسات مایع سازی خود به فکر واردات گاز باشد. از طرفی ایران نیز در همسایگی عمان رتبه دوم در حجم ذخایر گاز را دارا است. تجربه تلاش‌های ایران و عمان برای تجارت گاز باعث شده است تا این نگرانی در آمریکا ایجاد شود که این تلاش‌ها از سر گرفته شود. تجارت گاز میان ایران و عمان از این جهت برای آمریکا نگران‌کننده است که این اقدام با سیاست آمریکا در قبال ایران تعارض کامل دارد. آمریکا با تحریم تجارت انرژی تلاش می‌کند تا منابع ارزی ایران را محدود و جایگاه آن را در مناسبات بین‌المللی کاهش دهد. از طرفی آمریکا به علت آنچه فعالیت‌های ثابت‌زدا می‌خواند تلاش می‌کند تا روابط ایران با سایر کشورهای منطقه و همسایگان را کاهش دهد. از این رو باید تلاش کند تا به هر صورت ممکن زمینه‌های نیاز عمان به گاز ایران را از بین ببرد. از طرف دیگر افزایش ظرفیت صادرات عمان نیز به اندازه خود باعث خواهد شد تا حذف ایران از بازارهای جهانی گاز سهولت بیشتری برای آمریکا داشته باشد.

اهمیت دیگر عمان برای امنیت ملی آمریکا که در گزارش FDD قید شده است مربوط به پایگاه‌های نظامی آمریکا و استفاده نظامی از بنادر و فرودگاه‌ها در این کشور است. موقعیت عمان در منطقه باعث شده است تا آمریکا پایگاه‌های نظامی متعددی را در این کشور تأسیس کند. این پایگاه‌ها هم در تأمین نیازهای لجستیکی برای پشتیبانی از نیروهای آمریکا در منطقه نقش آفرینی می‌کنند و هم استفاده عملیاتی دارند. علاوه بر آن توافقاتی نیز میان آمریکا و عمان برای استفاده نظامیان آمریکایی از فرودگاه‌ها و بنادر این کشور صورت گرفته است.

در دهه ۱۹۸۰ با بالا گرفتن تنش‌های آمریکا و ایران، توسعه پایگاه‌های آمریکا در عمان در دستور کار ارتش این کشور قرار گرفت. پایگاه آمریکا واقع در شهر خصب که در استان موسندام واقع شده است نیز از همین پایگاه‌های توسعه یافته است که برای ارتش آمریکا به خاطر نزدیکی به ایران اهمیت به خصوصی دارد. تداوم و گسترش فعالیت‌های این پایگاه‌ها از جمله عللی است که برای توسعه حضور اقتصادی آمریکا در عمان و علی‌الخصوص استان موسندام ذکر می‌شود. مطابق با ادعای نگارنده گزارش

عمان در میانه، نفوذ اقتصادی بیشتر در عمان باعث خواهد شد تا دسترسی نظامیان آمریکا به بنادر و فرودگاه‌های این کشور افزایش و تثبیت پیدا کند.

علت به‌خصوص اهمیت استان موسندام در رابطه با سیاست خارجی آمریکا علیه ایران، گستردگی شبکه‌های قاچاق کالا از این منطقه به ایران عنوان شده است. فاصله موسندام با ایران در نزدیک‌ترین نقطه تنها ۳۴ کیلومتر است. پیمودن این مسیر با قایق‌های تندرو برای قاچاقچیان به کمتر از یک ساعت زمان احتیاج دارد. سهولت انجام قاچاق و عدم توسعه مشاغل در استان موسندام باعث شده است تا حجم قابل توجهی از کالاهای مصرفی از این منطقه به ایران قاچاق شود. نظارت ناپذیر بودن قاچاق در مقابل تجارت رسمی باعث می‌شود تا تحریم‌های تجاری ایران نقض شده و اثرات آن‌ها کاهش یابد. تأمین گاز مورد نیاز توسعه صنایع از جمله صنعت گردشگری و توسعه مشاغل در موسندام می‌تواند باعث تغییر الگوی شغلی بومیان منطقه شده و آن‌ها را نسبت به ادامه قاچاق کالا به ایران بی‌میل کند.

استفاده ایران از سیستم‌های مالی عمان برای جابه‌جایی پول در شرایط تحریم و دور زدن انواع تحریم‌ها، اثرگذاری ایران بر فعالیت‌های عمان در شورای همکاری خلیج فارس، گسترش اثرگذاری ایران بر مناقشات و مسائل یمن و قاچاق اسلحه از طریق عمان، مشارکت ایران و عمان در حمل و نقل دریایی و هوانوردی و گسترش همکاری‌های مالی و بانکی میان دو کشور از دیگر نگرانی‌هایی است که در گزارش FDD در رابطه با مناسبات میان عمان و ایران ذکر شده است. توسعه حضور اقتصادی آمریکا در عمان به‌عنوان راهکار اصلی در گزارش مذکور برای جلوگیری از توسعه تجارت، روابط اقتصادی، سیاسی و سایر همکاری‌های میان دو کشور ارائه شده است. افزایش تولید داخلی گاز در عمان و صادرات گاز به این کشور از سایر مبادی، ارائه تسهیلات و کمک‌های اقتصادی به عمان، سرمایه‌گذاری در بندرها و توسعه زیرساخت‌های این کشور محورهای پیشنهادی FDD برای توسعه حضور اقتصادی آمریکا در عمان است.

## ۱۰-۵-۴. پروژه نوسازی زیرساخت‌های آب و برق در عراق

عراق توان تولید برق موردنیاز خود را به‌صورت کامل ندارد. از این رو مجبور است بخشی از برق مصرفی خود را وارد کند. بخشی از تولید برق در عراق نیز به گاز وابسته است. همچنین مقداری از برق موردنیاز عراق در نیروگاه‌های آبی این کشور تولید می‌شود. پروژه نوسازی زیرساخت‌های آب و برق در عراق بر لایروبی سدها، رودخانه‌ها، مسیل‌ها و کانال‌های آبرسانی این کشور تمرکز دارد. هدف از انجام این پروژه ایجاد قابلیت کشتیرانی در رودخانه‌ها، افزایش ظرفیت و بهبود کارایی در تولید انرژی برق‌آبی این کشور عنوان شده است. پروژه مذکور گامی در راستای رسیدن به استقلال انرژی در عراق محسوب می‌شود. DFC بیمه پوشش ریسک سیاسی جهت انجام این پروژه را به شرکت الیکوت درج‌۱ از ایالت مریلند اعطا کرده است.

ریشه انجام این پروژه و سایر پروژه‌های مربوط به استقلال انرژی عراق را باید در رویکردها و مناسبات سیاسی میان عراق، آمریکا و ایران جست‌وجو کرد. عراق برق وارداتی و گاز موردنیاز نیروگاه‌های گازی خود را از ایران وارد می‌کند. هرچند تحریم‌های آمریکا علیه ایران موانع بسیاری در مسیر تجارت انرژی ایران قرار داده است اما عراق با اخذ مجوزهای کوتاه‌مدت به واردات انرژی از ایران ادامه داده است. معافیت‌ها هم ناظر به واردات مستقیم برق و هم واردات غیرمستقیم از طریق واردات گاز موردنیاز نیروگاه‌های برق عراق از ایران در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت که عمدتاً ۳۰ تا ۹۰ روزه هستند صادر می‌شود.

مجوزهای کوتاه‌مدت یک پیام صریح از سوی آمریکا به عراق داشت؛ عراق به خاطر عدم تمکین به قوانین تحریمی مربوط به همکاری با ایران، مورد غضب آمریکا واقع شده است و در آستانه متحمل شدن تحریم‌هایی از سوی واشنگتن قرار دارد. حتی خبر اعطای یکی از مجوزها که تنها برای ۳۰ روز صادر شده بود در همان کنفرانس خبری اعلام شد که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از وضع تحریم‌های جدیدی علیه ۲۰ نهاد ایرانی و عراقی در آن پرده برداشت. این اقدامات پیامی به عراق ارسال می‌کرد مبنی بر اینکه آمریکا انتظار دارد پروژه‌هایی برای کاهش وابستگی عراق به برق و گاز ایران تعریف شود.

1. Ellicott Dredges LLC

رویکرد سلبی یا تحریم تنها روش به کار گرفته شده برای محدود کردن تجارت انرژی میان ایران و عراق نبوده است. رویکرد دوم آمریکا در قبال تجارت انرژی میان ایران و عراق جنبه ایجابی دارد و ناظر به پیشبرد استقلال انرژی عراق از ایران است. سرمایه‌گذاری، حمایت‌های مالی و مشارکت مستقیم شرکت‌های آمریکایی در پروژه‌های تأمین برق عراق به واسطه نهادهای توسعه بین‌المللی آمریکایی نظیر شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای (DFC) در همین راستا تعریف می‌شود.

با افزایش سهم تولید انرژی برق‌آبی و کاهش سهم نیروگاه‌های گازی در تأمین انرژی عراق مسیر وابستگی این کشور در بخش انرژی عوض خواهد شد. با تغییر مبادی تأمین انرژی عراق، در وهله اول بهانه‌های عراق برای ادامه خرید برق و گاز از ایران و به تبع آن، درآمدهای ایران از فروش انرژی به این کشور حذف می‌شود. سپس بردارهای قدرت ناشی از وابستگی انرژی عراق، از کنترل ایران خارج و در اختیار آمریکا و متحدانش قرار می‌گیرد. هدف غایی پروژه نوسازی زیرساخت‌های آب و برق عراق و پروژه‌های مشابه را می‌توان پیشبرد برنامه تحریمی آمریکا و منزوی کردن ایران از سویی و تغییر جهت بردارهای قدرت سیاسی در عراق عنوان کرد.

### ۱۰-۵-۵. پروژه تأمین امنیت انرژی مصر

پروژه تأمین امنیت انرژی مصر شامل توسعه میددین گاز طبیعی لویاتان<sup>۱</sup> و تمار<sup>۲</sup> که در شهر عسقلان سرزمین‌های اشغالی قرار گرفته‌اند می‌شود. محور دیگر این پروژه بازسازی خط لوله انتقال گاز از عسقلان تا العریش مصر و اتصال به خط لوله داخلی این کشور به طول ۸۹ کیلومتر است. DFC بیمه پوشش ریسک سیاسی برای انجام این پروژه را به شرکت نوبل انرژی<sup>۳</sup> از ایالت تگزاس ارائه کرده است. این بیمه‌نامه همچنین ریسک سیاسی انتقال ۳ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی طی ۱۵ سال که در قالب این پروژه تعریف می‌شود را نیز پوشش داده است.

1. Leviathan
2. Tamar
3. Noble Energy

هدف اصلی انجام این پروژه تأمین تقاضای داخلی گاز مصر عنوان شده است. پیش‌بینی می‌شود حدود ۱۱ درصد تقاضای مصرف داخلی مصر از طریق این پروژه تأمین شود. همچنین کمک به تبدیل شدن مصر به هاب منطقه‌ای انتقال، فرآوری، مایع‌سازی و صادرات گاز طبیعی در بلندمدت دیگر هدفی است که DFC برای انجام این پروژه تعریف کرده است.

اما در واقع این پروژه علاوه بر ایجاد درآمد از محل صادرات گاز برای رژیم صهیونیستی، در صدد است تا از طریق بازتعریف نظام تجارت انرژی در منطقه ابزار قدرت دیگری نیز در اختیار این رژیم قرار دهد. ایجاد یک مسیر جدید برای فروش گاز رژیم اشغالی علاوه بر مقاوم‌سازی شبکه صادرات این کشور باعث خواهد شد تا الگوهای وابستگی انرژی در منطقه بازتعریف شوند. وابستگی انرژی کشورهای نظیر مصر و اردن به گاز رژیم صهیونیستی به صورت مستقیم و وابستگی مشتریان برق تولیدشده در مصر و اردن نظیر عراق به این گاز به صورت غیرمستقیم باعث خواهد شد تا این رژیم در آینده بتواند از وابستگی کشورهای مذکور به منابع انرژی خود به عنوان ابزار فشاری برای اثرگذاری بر فعالیت‌های آن‌ها استفاده کند.

ایجاد بردارهای قدرت جدید برای رژیم صهیونیستی از طریق ایجاد وابستگی به منابع انرژی موجود در سرزمین‌های اشغالی گامی مهم در بازتعریف نقش و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. تعریف جایگاه رژیم صهیونیستی به عنوان هاب و منبع تأمین انرژی در منطقه غرب آسیا باعث خواهد شد تا این رژیم بتواند با درگیرکردن منافع کشورهای وابسته به منابع انرژی موجود در سرزمین‌های اشغالی، تهدیدات امنیتی خود را به تهدید انرژی برای سایر کشورها تبدیل کند. آنگاه طبیعی است که کشورهای وابسته به منابع انرژی رژیم صهیونیستی تمایلی به ایجاد تهدیدات امنیتی علیه این رژیم نداشته باشند.

## ۱۱- جمع‌بندی و پیشنهاد الگوی پوشش ریسک سیاسی کشورهای منطقه

در سراسر جهان دولت‌ها از محل منابع و ذخایر خود با هدف گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی نسبت به صدور ضمانت‌نامه‌ها و بیمه‌های صادراتی از طریق بانک‌ها، صندوق‌ها، شرکت‌ها یا موسسات تخصصی، برای پوشش ریسک سیاسی فعالیت در این بازارها اقدام کرده‌اند.

در آمریکا بانک صادرات-واردات (EX-IM Bank) و شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای (DFC) این کشور وظیفه پوشش ریسک سیاسی را برای تعاملات اقتصادی بین‌المللی برعهده دارند. بانک صادرات-واردات آمریکا، آژانس اعتبار صادراتی (ECA) اصلی این کشور محسوب می‌شود و توسعه صادرات را عمدتاً در تعامل با کشورهای عاری از جنگ و بحران دنبال می‌کند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشی از منافع راهبردی آمریکا نظیر توسعه هژمونی سیاسی و امنیتی، توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی و اثرگذاری در مناسبات حاکمیتی کشورها با مداخله یا در تعامل با کشورهایی محقق می‌شود که درگیر جنگ و بحران هستند. در این کشورها ریسک‌های سیاسی بالاتر از دیگر کشورها است و پوشش آن‌ها توسط DFC و در ساختاری متفاوت از بانک صادرات-واردات (EX-IM Bank) آمریکا پیگیری می‌شود. DFC در واقع یک آژانس اعتبار صادراتی است که در همکاری با آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) نسبت به پوشش ریسک‌های سیاسی برای فعالین اقتصادی در کشورهای هدف اقدام می‌کند. در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و هند دولت به جای ایجاد نهاد جدید برای پوشش ریسک سیاسی، اعتبار یا منابعی را در اختیار آژانس‌های اعتبار صادراتی یا



بانک‌های موجود قرار می‌دهند و این مجموعه‌ها از محل این منابع به پوشش ریسک سیاسی در کشورهای هدف می‌پردازند.

صندوق ضمانت صادرات ایران با هدف گسترش روابط اقتصادی بین‌المللی کشور، سعی در پوشش ریسک‌ها دارد؛ اما جنس ریسک‌های تحت پوشش و سابقه عملکرد آن، عمدتاً شبیه به آژانس‌های اعتبار صادراتی است:

- این نهاد به‌عنوان یک شرکت دولتی ملزم به شناسایی سود و زیان است که موجب می‌شود نتواند به خدمات موردنیاز فعالین اقتصادی را برای پوشش ریسک‌های سیاسی حضور بخش غیردولتی در بازار کشورهای منطقه ارائه کند.
- روش تعیین سقف پوشش صندوق ضمانت صادرات ایران نیز متناسب با فعالیت‌های معمول اقتصادی و جریان‌های متعارف تجاری در بستر یکنواخت و روال عادی مسائل سیاسی و حاکمیتی است؛ لذا کشورهای منطقه که عمدتاً درگیر تنش‌های نظامی-امنیتی هستند نسبت به سایر کشورها فاقد اولویت شناخته می‌شوند.
- محدودیت منابع مالی صندوق نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که باعث می‌شود این صندوق نتواند بر فرصت‌سازی در بازار اقتصادی کشورهای منطقه تمرکز داشته باشد.

از این‌رو نیاز است جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی منطقه از جمله بازار ۱۱۰۰ میلیارد دلاری، بازیابی و بازتعریف موقعیت خود در اقتصاد جهانی، تقویت و تثبیت موقعیت در مناسبات منطقه‌ای و توانمندسازی بخش غیردولتی در فعالیت‌های برون‌مرزی، حساب منافع ملی را نزد صندوق ضمانت صادرات ایران ایجاد و اعتباری از صندوق توسعه ملی به آن تخصیص دهد. بر این اساس، صندوق بر مبنای اعتبار این حساب نسبت به صدور ضمانت‌نامه پوشش ریسک سیاسی برای پوشش ریسک‌های سیاسی غیر بازاری برای فعالیت اقتصادی بخش غیردولتی در کشورهای منطقه و همسو اقدام نماید. درآمدهای ناشی از این حساب متعلق به صندوق توسعه ملی است و در صورت بیش‌تر بودن هزینه‌ها از درآمدها، این هزینه‌ها به عنوان بدهی

دولت به صندوق قلمداد می‌شود. ویژگی‌های موردنیاز این حساب برای تحقق اهداف مدنظر عبارت‌اند از:

۱. **ارزیابی بر اساس هزینه - کارایی:** ارزیابی این حساب نباید مشابه صندوق ضمانت صادرات ایران بر مبنای یک شرکت دولتی باشد که شناسایی سود و زیان مبنای سنجش عملکرد آن قرار گیرد؛ بلکه ضرورت دارد ارزیابی این حساب بر اساس عملکرد آن مبتنی بر هزینه-کارایی باشد.

۲. **مکمل فعالیت‌های موجود صندوق ضمانت صادرات ایران باشد:** لازم است ضمانت‌نامه‌های حساب مذکور به دنبال گسترش فعالیت بخش غیردولتی در کشورها و پروژه‌هایی باشد که صندوق ضمانت صادرات نمی‌تواند پشتیبانی مؤثری از فعالیت در آن‌ها داشته باشد. به عبارت دیگر این نهاد در سیاست‌های حمایتی خود مکمل و نه رقیب صندوق ضمانت صادرات تعریف شود.

۳. **بومی‌سازی الگوی ارزیابی:** طراحی و به‌کارگیری یک الگوی بومی برای ارزیابی ریسک کشورها از دیگر ملزومات صدور ضمانت‌نامه‌های جدید است. اتکای صندوق ضمانت صادرات ایران به نهادهای اعتبارسنجی بین‌المللی برای ارزیابی از وضعیت ریسک کشورها، این صندوق را با مشکلاتی نظیر عدم دسترسی به اطلاعات در خصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته و بیش برآورد ریسک مواجه کرده است. لذا لازم است لزوم انجام فعالیت اقتصادی در سایر کشورها و اولویت‌بندی حضور اقتصادی در آن‌ها و انتخاب پروژه‌ها با توجه به تعاملات راهبردی و آینده‌ای که برای رابطه ایران با آن‌ها متصور است در بطن نظام ارزیابی این نهاد باشد و مشابه صندوق ضمانت صادرات از بیرون به آن تکلیف نشود.

۴. **تأمین مالی حاکمیتی:** مشابه سایر کارکردهای حاکمیتی حساب جدید برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای کشور در منطقه نیاز به اتکا به منابع مالی حاکمیتی دارد. برای تأمین منابع مالی لازم برای تأسیس این صندوق مبلغ یک میلیارد دلار از منابع ارزی صندوق توسعه ملی اختصاص یابد.

استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تأمین اعتبار این حساب تناقض عملکردی

این صندوق را نیز برطرف می‌کند. منظور از تناقض عملکردی صندوق توسعه ملی، استفاده از تسهیلات ارزی این صندوق برای حمایت از تولید داخل است. از آنجاکه تسهیلات صندوق توسعه ملی ارزی است و تامین کالا و خدمات داخلی عموماً نیاز به تامین مالی ریالی دارد، این تسهیلات به جای حمایت از تولید داخل در برخی موارد حتی در حوزه‌هایی که در داخل کشور توانمندی وجود دارد منجر به واردات شده است. لذا با استفاده از این منابع به‌عنوان ضمانت‌نامه برای حضور در بازارهای خارجی از تولید داخل نیز حمایت خواهد شد.

## منابع

1. <https://www.unescwa.org/>
2. <https://www.worldbank.org/>
3. <https://home.treasury.gov/policy-issues/office-of-foreign-assets-control-sanctions-programs-and-information>
4. <http://www.banquecentrale.gov.sy/>
5. <https://www.exim.gov/>
6. <https://www.dfc.gov/>
7. <https://egfi.ir/>
8. Jonathan Schanzer & Nicole Salter, "Oman in the Middle, Muscat's Balancing Act Between Iran and America", Foundation for Defense of Democracies, May 2019.
9. Jakobsen, J. (2010). Old Problems Remain, New Ones Crop up : Political Risk in the 21st Century, Journal of Business Horizons, Vol.53, p481490-.
10. Zorgui, I. (2011). Institutional Quality and Political Risk. Journal of Economics, Finance and Management Sciences Vol. 3 (1)
۱۱. اندیشکده سحاب. (۱۳۹۹). وضعیت حضور بازیگران خارجی در دوره بازسازی سوریه، گزارش شماره ۱۰۱.
۱۲. فدایی، مهدی و صارم، مریم. (۱۳۹۸). اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت ریسک سیاسی و

توسعه‌ی مالی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. پیاپی ۱۶ (تابستان ۱۳۹۸).

۱۳. کاظمی، مهیندخت. (۱۳۹۳). ریسک سیاسی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی. پژوهش‌نامه‌ی ایرانی سیاست بین‌الملل. سال سوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۱۴. خبرگزاری فارس. گزارش شماره ۱۳۹۹۱۲۰۲۰۰۰۸۴۴.